



جمهوری اسلامی: درمفحه ۲

### ادامه جنگ در سراسر اشیب

فعل و انفعالات درون کشور هر روز سرعت تندتری گرفته و وخامت اوضاع بیشتر می شود. در همین یک ماه گذشته چه در عرصه جنگ ارتجاعی وجه درمیدان تنازعات درونی حکومت، چنان گرفتاری گریبان رژیم را گرفته و مخالفت و درگیری عسلی میان نیروهای رژیم در اینجا و آنجا آشکار شده که زمین را بیش از هر زمان زیر پای فقها بلرزده در آورده است.

ورق جنگ دیگر مدتهاست که برگشته، تشریف ارتش عراق در زمین که از با زین گیری فاش و شروع شده با عملیات در محور شلمجه - بصره و بیرون راندن نیروی فقها از مواضعی که برای تسخیر آنها متحمل تلفات بسیاری شده بودند، بعد و کیفیت تساهل با فتنه است. و این در حالیکه فشار نیروی هوایی نیز بقوت خود باقیست. و با به آتش کشیده شدن تاسیسات پالایش نفتی لارک و نفتکشهای غول پیکر حامل نفت ایران، تهدید و حملات بر مبنای طق صنعتی و اقتصادی و مانور نیروی شهرهای ایران! اعمال فشار همه جانبه ای را از سوی عراق نمیتوان میدهد. انعکاس این فشار در درون حکومت ابعساد تازه ای به بحر! داخلی نیز داده است.

بعد از انتخابات مجلس، درگیری جناح طرفداران زاریا حکومتگران اصلی به اشکال گوناگون حتی بصورت اعتراضات خیابانی و درگیری های خشن بروز کرده است. جناح اصلی حکومت برای عقب راندن رقیب در انتخابات به شیوه های کودتایی دست زد و از ابزارهایی استفاده کرده که حذف مکانیسمهای قانونی بود. آنها بوسیله دخالت مستقیم خمینی بررسی انتخابات دور اول توسط شورای نگهبان را که مستواست موانع غیر قابل حلی بوجود آورد محدود کردند خمینی با ارسال نامه ای به شورای نگهبان اعلام کرده که بنا بر بنده شخصی او موضوع را بررسی کرده و سلامت انتخابات مورد تأیید است و شورای نگهبان را ملزم به تصدیق انتخابات و برگزاری دوره دوم آن نموده. این شیوه برخورد که استفاده از ابزاری قانونی و روش های معمول و ساکنونسی را برای جناح

### انتخابات فرانسه

درمفحه ۶

### پیرامون ماجرای سیتیه پاریس

حتما تصدیق خواهند کرد که در این شیوه نوشته های آنان حتی یک، دلیل اصولی و منطقی برای مخالفت با ورود این حزب به سیتیه پاریس و قرار گرفتن آنجا در کنار دیگر نیروهای سیاسی وجود ندارد. البته این گروهها با ژستی حق بجانب و با استناد به یک حق دمکراتیک، که طبق آن هر کس مختار است تا هر که مایل بود زیر یک سقف بروی کند، استدلالی برای توجیه کوششهای سیاسی خود و فرار از اسن برش که چرا با عدم مخالفت حزب مزبور بود دست و پا کنند. ما زمان وحدت کمونیستی که در میان این گروهها به دفاع از دمکراسی معروف تر است و بسا حرارت تر از دیگران از حقوق دمکراتیک دفاع میکند، بهتر از دیگران هم اهل مسئله را دور میزند. وقتی در اعلامیه شان تاریخ ۲۷ آوریل مینویسد: "اینکه امروز هویت سیاسی و نظری این جریان "جدید" چیست و با چه چیزی آنرا از گذشته خیانت بارش خدا می کند - البته اگر ما بتوانیم چنین تمایزی را در ناحیه ای گمانی دید، که ما لیسان سال در درون حزب شده پرورش یافته و تا مغز استخوان توده ایند - فعلا و در اینجا مورد نظر ما

سیتیه پاریس در ماه آوریل گذشته، بدنسالی ورود "حزب دموکراتیک مردم ایران" به این محل شا هدمکشمک ها و مجادلات تازه ای میان گروههای سیاسی ایرانی بود. داستان کلازا این قرار بود که اغلب گروههای سیاسی سیتیه و ورود حزب مزبور به این محل مخالفت داشتند و اظهار میداشتند که این حزب، همان حزب توده است و نباید اجازه بدیم در کنار ما زیر یک سقف به تبلیغ بپردازد. این گروهها که شامل (حزب کمونیست کومه له، جریسان توکل، سازمان وحدت کمونیستی، کمیته خارج از کشور، اندزهری و برخی محافل دیگری شد) پس از عدم موفقیت در جلوگیری از ورود "حزب دموکراتیک مردم ایران" تصمیم گرفتند به قول خودشان به دور "گرایشات انحرافی، ضد انقلابیون و مرتدین" در روزهای شنبه در سیتیه فعالیت کنند. علت اصلی شکست این گروهها این بود که رفقای ما با مراحت و قاطعیت از حق حزب مزبور دفاع کردند و زیر بار فشار این گروهها نرفتند و موضع آنها را در این مورد غیر منطقی و انحرافی دانستند. کسانی که در جریان بحث های این گروهها بوده اند و وقت داشته اند که اعلامیه های مطول شان را بخوانند

درمفحه ۳

### گزارشاتی از برگزاری مراسم اول ماه مه

#### جنبش توده ای - ۱ -

#### فلسطین

درمفحه ۴

مصاحبه با دکتر لوتها رها یئریش

درمفحه ۱۴

"سرخ، رنگ، ماست"

شعری از آفریقای مبارز

درمفحه ۱۱

#### "ستون آزاد"

خانواده و ازدواج

#### اوین، ۱ -

#### جاده ای از شمشیر

گزارش زیر که آنرا در سه قسمت چاپ می کنیم

عین گزارشی است که از یک رفیق به ما رسیده است. تنها تا آن نقطه تیرهایی که ملاحظه می کنید را تا بدان افزوده ایم.

تنها

درگاه خوسین و فرار خونالوده شیادت می دهد که برهنه های

برجاده ای از شمشیر گذشته، بم.

"ساعت ۶ صبح بود که از خانه بیرون آمدم و رهگذرانی که با عجله و سردرگسیان به سرکار خود می رفتند را دیدم. آسمون گرفته بود و من سسل درمفحه ۷



ادامه از صفحه ۱

## جمهوری اسلامی :

## ادامه جنگ در سراسیم



طرفدارها را محدود نموده این جناح را وارد کرده به شیوه‌های جدیدی از جمله استفاده از نقطه ضعف اصلی رژیم یعنی جنگ دست به افشای بزدلی و جناح مسلط را به عقب نشینی وادارد.

در همین دوره است که آنها با عنوان کردن "مضرات جنگ"، صدای "صلح" را از درون خود رژیم بمداد در آورده اند و این صدای تازه‌ای است که در درون رژیم‌طلبان افکن میشود.

تا جائیکه بلندگوهای تبلیغاتی رژیم جهت تکذیب وجود چنین خواستی از جانب آخوندهای حامی جناح رقیب یعنی جامعه مدرسین قم، گلبایگانی و نجفی مرعشی، بکار افتاد. واقعیت آنست که در شرایطی که فشار نظامی عراق بسرای واداشتن رژیم فقیها به پذیرش صلح با لگرفته و در شرایطی که تنفر توده‌ها از جنگ و خشم آنها از فلاکت

و ویرانی تا بالاترین درجه متراکم شده و از اسرار لفظی به حرکات اعتراضی نیز کشیده شده و در شرایطی که قدرت بسیج نظامی رژیم تا بیشترین حد کاهش یافته و بقول رفیقان "نستندند نیروی کافی برای عملیات را تدارک ببینند"، جناح رقیب، که در انتخابات با فشار "سرکوب" روبه‌رو بود، در صدد استفاده از ماژور صلح بعنوان بسک شیوه تعرض به حریف و سوار شدن بر موج برآمده است.

اگر بنا به ترجیح بلندگوهای خود حکومتگران، همه در پی آنند که "صلح تحمیلی" را بجای جنگ بنشانند، این صدا از گوشه و کنار خود رژیم امروز بیش از هر زمان رژیم را در تنگنا قرار می‌دهد و این در حالی است که بحران هم‌بها ایضا دبیسا بقه‌ای رسیده و صدای پای طوفان بگوش می‌رسد. رژیم در برابر این بحران که مستقیماً با موقعیت او در جنگ و فشار همه جانبه برای ختم آن گره خورده، نیاز به پاسخهای سریع و متناسب با موقعیت کنونی دارد. یعنی

با دیدن موقعیتی ضعیف و ناخوابسته با کانون اصلی (جنگ در لحظه حاضر) برخورد کند. واقعیت آنست که جناح اصلی حکومت نیز به عدم توانایی فرد در صحنه جنگ پی برده و می‌دانند که در وضعیت کنونی دستشان در آنجا به چیزی بند نیست. اما فقیها نمی‌توانند دست از ادامه جنگ بردارند. چرا که این جزیمعتای شکست استراتژیک در جنگ نیست. امری که اهمیت حیاتی در سرنوشت فقیها دارد. و اکنون آنست که همه بر آتش صلح با فشار می‌کنند، هر نوع حرکت جهت پذیرش

خواهد داشت. بی‌جهت نیست که خمینی در پیام خود در آغاز کار مجلس سوم در روز ۷ خرداد دالحنی حاکی از درمانندگی در جنگ و ضمن اذعان به ناکامیها می‌گوید چیزی در جنگ نداشته اند که از دست بدهند و راه حل را کماکان در حیطه‌های می‌دانند و می‌سازند. مذاکره را مردودی شمارد. این خطی است که فقط تا جایی که آنرا ادامه می‌دهد!

این فشار ریزی جز پذیرش شکست بزرگ نیست. اگر شکست قطعی نظامی که حالیه رژیم اسلامی در سراسیم آن قرار گرفته در طول زمان معینی صورت خواهد گرفت، پذیرش صلح بمعنی اعلام پیش‌رس آن خواهد بود. امری که به معنای شکست سیاسی بزرگ در موقعیتی که فقیها در جنبه تنازعات درونی گرفتارند و با تنفر متراکم شده توده‌ها روبرو هستند، حاصلی جز از سرکردن شکاف و فوران خشم توده‌ای

مرك بر جنگ! زنده باد صلح! زنده باد انقلاب!

## پیرامون ماجرای سیتة پاریس

نیست. ولی برخلاف نظر وحدت کمونیستی، اتفاقاً اصل مسئله در همین جا است. چگونه میتوان در باره فعلیت و ماهیت سیاسی یک سازمان سکوت اختیار کرد و در همان حال از موضع اصولی و دمکراتیک، در قبال آن سخن گفت. روشن است که ما در اینجا از حقوق مجرد صحبت نمیکنیم و رفقای واحد پاریس ما هم هیچگاه شمارا از اینکه چرا روز شنبه را برای خود انتخاب کردهاید مورد انتقاد قرار دادهاند بلکه بر سر اینست که چرا با یکسانی را که مواضع ضد انقلابی گذشته خود را مورد انتقاد قرار دادهاند و با تشکیل یک سازمان دیگر روی پرورده سنی گذشته خود قلم قرمز کشیدهاند و تلاش دارند خود را به نیروهای دمکرات و انقلابی جنبش نزدیک کنند سرکوب کرد و از خود راند.

موضوعی که تا این درجه باعث کشمکش در سینه شدمیسا رسیده است، حزبی تازه تاسیس، با مواضع دمکراتیک، با حداقل مواضعی در انطباق با چهار چوب و موازین پذیرفته شده در سینه پاریس، علاقه مند است خود را در کنار ما قرار دهد و به تبلیغ نظرات خود بپردازد، چه حرجی برای او دارد است. آیا برای ورود به این محل باید به دایره "سیاسی" - ایدئولوژیک و "مورای نگهبان" این گروهها امتحان ایدئولوژیک پس دهد؟ که اینهم در نظر پاره ای از آنها سودی ندارد چون میگویند، بهتر جهت اینها همان توده های ما هستند، حرفی کسبه البته بیشتر مدعیان را با زحوا هدر کرده و ضعف بیشتی سیاسی شان را نشان خواهد داد. زیرا همه خواهند برسید، مگر شرط ورود به سینه پذیرش اصول عقاید هالی سیتة، و داشتن وحدت ایدئولوژیک، است. و سوال خواهد شد، چگونه تا کنون حاضر بودهاید با "راه کارگر" که طبق عقیده شما نه فقط توده های، بلکه پرچم را بر این طیف و گاندیدی طراز اول برای احیاء نفوذ شوروی است، در یکجا قرار گیرید.

لطفاً برای توجیه خود نگوئید که این حزب جزئی از نقشه و بلنیتیک حزب توده برای رخنه در صفوف نیروهای انقلابی و ایجاد انشقاق است. چرا که این ادعا متکی بر یک موضع لجوجانه برای چشم فرو بستن بر بحران طیف راست و ندیدن تا شیب تر تحولات سیاسی سالهای اخیر کشور ما بر روی این طیف و شکست مواضع سیاسی شان می باشد و سینه داستانی پلیسی بیشتر شراحت دارد تا تحلیل سیاسی. موسسین حزب مزبور به مواضع سیاسی خود در گذشته در قبال رژیم خمینی انتقاد کرده اند و آنرا خیانت کارانه دانسته اند. علت و محرک این موضع سیاسی جدید هر چه باشد، حتی از روی اجبار و درماندگی، یعنی دقیقاً آنچه که میل این گروههاست، باز از لحاظ سیاسی بی اهمیت است. چرا که در عرصه مبارزه طبقاتی به نیت خیر و شرافرا دکاری

نیست. آنچه در مناسبات سیاسی معیار است، فعلیت سیاسی احزاب است. ما امروز در مورد کاری کسبه فردا ممکن است این یا آن حزب بکنند تصمیم نمیگیریم. هیچکس نمیتواند تضمین دهد مدعیان امروز، فردا کدام موضع را در صحنه سیاست انتخاب خواهند کرد. کافی است پرورنده غالب این گروهها منحل شده همانها میگردند. فزونی میگیرند و ورق بزنید تا مطلب دستگیرتان شود. و نمونه تیبیک و دم دست، اتحادیه کمونیستها و مجاهدین را نگاه کنید. مشکل بتوان فاصله زیادی میان خیانت های آنها با حزب توده و اکثریت ترسیم کرد. یک موضوع مهم، یعنی تفکیک موضع سیاسی احزاب از موضع ایدئولوژیک شان، در این دعوا جای خاصی پیدا کرده و رفقای واحد پاریس ما برای شرفهم کردن مدعیان، با صراحت نظرگماه سازمان ما را در مورد ماهیت لیبرالی و اروتکوم نیستی "حزب دمکراتیک مردم ایران" اعلام کرده اند و با آنها گفته اند، ما در این حوزه به حزب مزبور فزونی احساس نزدیکی نمیکنیم، و خود را همانقدر با نظر کارهای حزب مزبور بیگانه میدانیم که با دیدگاه های سازمان وحدت کمونیستی و یا "حزب کمونیست" کومهله. ولی با این حال هر جا که دو سازمان نامبرده بخوانند در کنار ما به تبلیغ بپردازند، حتی اگر گروههایی یافت شوند که با آنها مخالفت کنند، ما سر جای خود خواهم ایستاد و از موضع درست آنها و تمایلمان به نزدیکی با نیروهای دمکرات استقبال خواهیم کرد. این موضع رفقای ما در سینه پاریس بوده است، به همین سادگی. ولی این گروهها که از بحران طیف توده ای و رویگردانی بخشی از نیروهای آن از مواضع ضد انقلابی گذشته ناخوشوندند، در این ماجرا شلوغ کاری می کنند. ولی آیا این منشن سرکوبگرانه دقیقاً همان چیزی نیست که دلخواه رهبران حزب توده و سازمان اکثریت است، تا به کمک آن راه خروج نیروهای ناراضی و بشیمان شده از خیانت های گذشته را سد کنند و آنها را زیر تبلیغات زهر آگین خود منکوب سازند. مشی سرکوبگرانه و ضد دمکراتیک تنها به این خلاصه نمی شود که به ضرب زور و جملاتی امکان تبلیغ عقاید کسبی را محسود کنیم. در هم شکستن آرا ده دیگران و هل دادنشان به دامان انفعال سیاسی، دشمنی با جنبش دمکراتیک و سازمانهای مردمی، که در این ایام چندانی نیست، رونق هم نیست، به انداز همان خوب و جماعتی خوب و ضد دمکراتیک است. آنچه بویژه در برخورد با این گروهها جلب نظرمی کند فدیت با حق شکل است. خصومت ورزیدن با گروهی است که میخواهد بر اساس خود تشکلی داشته باشد. تشکلی علیه رژیم جمهوری اسلامی و تشکلی برای دمکراسی، وظیفه نیروهای دمکراتی در برابر این گونه تلافی ها، یعنی در برابر

اولیه ترین حقوق دمکراتیک، جدا جدا شد، کوبیدن و منزوی کردن و به خیل منفعلین و ضد کمونیستها افزون یا رسمیت شناختن و حمایت از حق شکل، کسی که موجودیت خود را در حذف و نابودی شکل هسای حزبی و دمکراتیک می بیند نمی تواند در دمکرات باشد. بدین پی است در مبارزه ایدئولوژیک و سیاسی هر حزبی حق دارد در افشا و منزوی کردن خطوطی که بنظرش انحرافی میرسد زده ای سازش نکند. اما این روش با روش محدود کردن دامنه فعالیت احزاب دیگر فرق دارد. مبنای دفاع ما از حضور حزب دمکراتیک مردم ایران "همین بوده است. اما گروههای مخالف که از درک، همانها دمکراسی از جمله حق شکل دیگران - در مانده اند و تنها با نوعی از سرکوب یعنی جملاتی کسبی - که دیگر در انش بر آمده - مرز بندی کرده اند. برای تبرئه خود در افکار عمومی به ما انگ همکاری با توده های می زنند و ادعای کنند که راه دادن ما به این جریان، جزئی از استراتژی بازسازی خط توده - ایسم در ایران است. اتفاقاً همین یک اتهام کافی است تا ادعای ما مبنی بر اینکه ما بیگانه نیستیم گروهها برای حضور و فعالیت دیگران در سینه ما بیگانه نیستیم. اتفاقاً همین است، ثابت شود، و این نکته نیز روشن شود که دلیل مخالفت این گروهها با حضور توده ای ها در دانشکاهها و در کنار نیروهای دیگر مطلقاً با آنچه ما می گوئیم متفق است. ما از موضع سیاسی حرکت می کنیم، آنها از موضع ایدئولوژیک. یکی از گویا ترین دلایل این امر آنست که حضور این مدعیان در کنار سنی مدریون و همکاری هر روز و همه جانبه شان، از جمله در همین ماجرا، با اتحادیه کمونیست ها است. جطووا است که در بررسی تاریخ احزاب، مواضع این جریان، به سکتوت برگزار میشود. سازمانی که از بدو شروع فعالیت سیاسی اثر در ایران در کنار آقای سنی مدریون و اما خمینی هلیله می کرد و تیغ مبارزه ضد امپریالیستی "نه شرقی، نه غربی" اما خمینی و سنی مدر را تیز می کرد، اگر سرکوب و اعدام عده ای از آنها در جریان آمل بعد از وقایع ۳۰ خرداد سال ۶۰ ملاک تطهیر آنها شده باشد، حزب توده و اکثریت نیز از جدهمین شرایط اعدام و سرکوب هستند. مگر آنکه ملاک ارزیابی احزاب را در برخورد با دولت و انقلاب از روی تقویم و تاریخ نگاری محادین اخذ نمائیم و ۳۰ خرداد سال ۶۰ را مبنای تحلیلیم. همان قرار دهیم همین همین برخورد با حشر و رحسرا ن هم صدق دارد، واقعیت آنست که اغماض این گروهها در این گونه موارد سیاسی دیگری دارد، و آن خصومت سبنادی این جریان است با اردوگاه سوسپالیسم است که خود حلقه متحد کنند همه آنها است.

## جنبش توده‌های فلسطین

### مباحثه با دکتر لوتها رها یئریش - ۱-

قیام توده‌های در فلسطین

امضا حبه‌ای با دکتر لوتها رها یئریش نویسنده و محقق کمونیست آلمانی

مباحثه زیر با دکتر لوتها رها یئریش نویسنده و محقق کمونیست آلمانی در زمینه: مسائل خاور-میان عمل آمده است. وی یکی از اعضای هیئت تحریریه نشریه "الکرامه" به زبان آلمانی است که ویژه همبستگی با خلق فلسطین و سایر قطب‌های منطقه می باشد. دکترها یئریش در این مباحثه اطلاعات و نکات مهم تازه‌ای را طرح کرده است که اطلاع یافتن از آنها برای فعالین نهضت کمونیستی و کارگری ایران و خوانندگان نشریه پیام کارگر از نظر روشنگری در باره انقلاب فلسطین دارای اهمیت زیادی می باشد. با تشکر از وی به درج این مباحثه می پردازیم:

س: چشم‌انداز قیام جاری در فلسطین را چگونه ارزیابی می کنید؟

ج: قبل از سخن گفتن در باره چشم‌انداز قیام فلسطین، بهتر است بیان این قیام بر علیه اشغالگران صهیونیست بر شمرده شود و برای اینکار دلایل عینی قیام، دلایل ذهنی که در این مقطع مشخص منجر به قیام شده اند و مهمترین مشخصه قیام که آنرا از جنبش‌های قبلی، از زمان اشغال بقایای فلسطین در سال ۱۹۴۷ به بعد متمایز می کند، طرح شوند.

اشغالگران صهیونیستی به کرات در مقابل افکار عمومی جهانی خود را معظف معرفی می کنند و این ممکن است در جهات معینی نیز چنین باشد، ما روشن است که خلق فلسطین که تحت حاکمیت بیگانه زندگی می کند، برای پایان دادن به رنج خود، کسب حقوق ملی و شرف انسانی خود پیکار می کند. این به تنهایی بعنوان دلیل عینی کفایت میکند. اینکه قیام مدتی در نوآوری شروع شده و در آنجا به روز منته‌ترین شکل بوده است، دلایل خاص خود را دارد. نوا روزه که قبل از اشغال تحت قیمومت مصر قرار داشت از همان زمان به واسطه رانده شدن بنیانندگان فلسطینی از اسرائیل کنونی (سال ۱۹۴۸) پرجمعیت‌ترین منطقه دنیا بود. بیگاری کمبود مکان، وضعی دست‌های اخیر روزه افزایش یافته از ۳۶۰ کیلومتر مربع مساحت این منطقه، اشغالگران ۳۰۰۰ نفر ساکنین شهرکهای یهودی نشین و ارتش اسرائیل - یک سوم را به خود اختصاص داده به نحوی که نیم میلیون ساکنین فلسطینی در بقیه مساحت این منطقه در فقره شده اند. هم‌زمان در این منطقه روابط اجتماعی آنها بسیار فقیرانه بوده و سنت مقاومت از همه جا قوی تر است. مقاومت مسلحانه‌های اول اشغال که توسط "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" قویست

سازمان داده می شد که این امر است. این سازمان هنوز توضیح نمی دهد که چرا قیام از سال ۱۹۸۷ آغاز شده و ویژگیهای معینی که در ادامه گفتگو بدان خواهد پرداخت - دارد.

از جمله مهمترین دلایل ذهنی از یکسو این است که استراتژی دیپلماتیک رهبری راست سازمان آزادی بختن حول یا سرعفاست که میخواست خود را بر حمایت آمریکا و دوستان عرب این کشور متکی کند به وضوح به شکست انجامیده است. در اوائل سال ۱۹۸۷ میلادی آمریکا و اسرائیل طرح قطعنامه‌ای را در سازمان ملل به شکست کشاندند که زکهورهای عضو میخواست که تلاش بیشتری برای برپائی یک کنفرانس صلح ظورمیا نه به عمل آورند. یک ماه قبل از آن کنفرانس فوق العاده اتحادیه عرب در زمان آنکارا رسماً تحت کثرت کشورهای عربی زمان آنرا مناسب می دانند که حمایت خود را از امکان سازشی با اسرائیل که مستلزم عدم توجه به منافع خلق فلسطین از سوی سازمان آزادی بخش باشد عملی می گرفتند. از سوی دیگر موفقیت‌های اخیر نهضت رها یئریش بخش ملی فلسطین قرار دارند. از مقطع پس از رانده شدن از لبنان سازمان آزادی بخش فلسطین، توجه بیشتری به سازماندهی در سرزمینهای اشغالی میدول داشته و در ماه آوریل ۱۹۸۷ در الجزایر با رگشت جبهه خلق و وحدت مهم ترین سازمانهای عضو سازمان آزادی بخش بدست آمد. اگرچه به دلیل احتمالاً لاجرخی تا کتیکی رهبری راست سازمان آزادی بخش از استراتژی نزدیکی به امپریالیسم، از نوع قرار دادمان، در لبنان نیز فلسطینی‌ها در اردوگاه‌های کوچک خودسویزه در شتیلا لشگرکشی به قصد ریشه کنی آنان که از سوی امل صورت گرفته است را با قربانی‌های بسیار و به برکت استواری قهرمانانه، پس رانندند. و بالاخره در تاریخ ۲۵ ماه نوامبر همان سال، فدائیان جبهه خلق موفق شدند که زلبان با هواپیماهای بدون موتور مخصوص در یک اردوگاه نظامی صهیونیستی فرود آمدند و بسیاری از سربازان صهیونیست را به هلاکت برسانند و خود نیز به شهادت رسیدند. این عوامل از یک سو آخرین توهमत در باره مکان یک شبه راه حل امپریالیستی را در میان خلق فلسطین از بین برد و از سوی دیگر به وی توان لازم برای برپائی قیام - از بین ماه قبل - بر علیه دشمنی وحشی و نیرومند چون صهیونیسم ویکی از مهمترین حلقه‌های سیستم جهانی امپریالیستی و تداوم آن را داد. وقتی یک خودرو نظامی اسرائیلی در اردوگاه هاتوا رگان جنبه در نوآوری روزه آنکارا به عمد یک اتومبیل غیر نظامی را زیر گرفت و هرچرا سر نشین فلسطینی آن را کشت، شعله‌ای که بشکست با روت را به انفجار کشاند برانروخته شد.

اما لازم است که ویژگیهای قیام جاری که احتمالاً برای زمان طولانی تری تداوم خواهد یافت را بر شما ریم. مهمترین خلعت جنبش این است که وی بلحاظ اجتماعی و جغرافیائی همه جا نبوده و همه گیر است. در مقابل همه با تمام آموخته‌های تسوده‌ای پیشین که از سوی اساماکا رگران، دانشجویان و سایر گروه‌های اجتماعی صورت گرفته و غالباً در محدوده شهرها یا اردوگاه‌های خاصی محصور مانده بودند، نهضت کنونی در متنوع ترین اشکال تمام طبقات جامعه فلسطینی و تمام مناطق، شهرها و روستاها را در بر گرفته است. در این ارزیابی ما بینندگان جنبش‌های فلسطین با کارشناسان اسرائیلی از جمله پروفیسور یوشوا یورا، با اتفاق نظر دارند. خلعت دوم قیام، درجه سازمان یافتگی آن است. در مقابل نظریاتی که این برآمد را خود بخودی و خارج از محدوده نفوذ سازمان آزادی بخش سازمانهای عضو آن ارزیابی می نمودند، اکنون مدتهاست که آشکار شده است که این برآمد توسط "رهبری ملی متحده" سازمان یافته و تنها چنین رابطه‌ای تداوم بی وقفه آن برای مدت پنج ماه را ممکن کرده است. این "رهبری ملی متحده" شامل نمایندگان و طرفداران تمام سازمانهای مهم فلسطینی - یعنی قبل از همه الفتح، جبهه خلق، حزب کمونیست و جبهه دمکراتیک - و نیز نیروهای اسلامی می باشد بر مبنای شرایط محلی و وظائف مبارزاتی را تعریف نموده و شعارهای آنرا مشخص می کند. مبارزات تاکنونی در چارچوب استراتژی و برنامه سازمان آزادی بخش و "رهبری ملی متحده" وابسته به آن قرار دارند.

س: ارزیابی شما از سیاست‌های دولتهای عربی منطقه، سویزه مثل مصر و اردن چیست و این سیاستها چه تاثيراتی با توجه به طبقات مختلف جامعه فلسطین دارند؟

ج: سیاستهای کشورهای عرب در مقابل قیام صهیونیستی منتهی به اهدای طبقاتی آنها و منافع ویژه مربوط به هر کشور قرار دارد. برآمد توده‌های در فلسطین برای رژیمهای فاسد و متمایل به امپریالیسم جهان عرب، یعنی اکثریت قریب به اتفاق آنها خطرناک است. تمام این رژیمها با درجات مختلف، در مقابل مردم خود با توسل به فریب‌های عربی و ناسیونالیستی در تلاش کسب حدها و توسعه و سرایت در فلسطین برای خود می باشند. مقاومت قهرمانانه توده‌های فلسطینی به خودی خود خطراست که توده‌های در این کشورها عمل نمودن از سوی دول خودسازمانده‌های فریبکارانه را طلب کرده و آنها نخواهند که وارد درگیری جدی با امپریالیسم - خدای واحد این دول - شوند و می‌روند. در اینجا نقش

مصاحبه با دکتر لوتسها رها بینریش

توده‌های فلسطینی بعنوان سرمقنی برای مبارزه برای خواسته‌های اجتماعی از سوی این خلقها مطرح است. این خطر بصورت عملی بویژه برای دولتی که مدتهاست روابط فشرده‌ای با صهیونیستها دارند یعنی دولت اردن، مصروراکش وجود دارد. بنا بر این تعجب آور نیست وقتی می شنویم که جنسی میارک پیشنها داشت پس بین سرکوبگران صهیونیست و خلق تحت ستم فلسطین را دقیقاً در این مقطع طرح می کند، مقطعی که این خلق با قیام خود توان توان را به سود خویش به هم می زند و با ملک حسین ایمن پیشنها در امیما نه او زنده قلب مورد حمایت قرار می دهد. در هر سه کشور، نظرات به همبستگی با خلق فلسطین انجام شده و با دستگیری و زندانی شدن مدها مبین پرست و جدا قل در مراکش یا اعدام بسیاری از آنها خاتمه یافته است. تنها و مقیما مدر فلسطین موجب شده است که دشمنان عرب این خلق فعالسکوت اختیار نکنند. برخورد محتاطانه آنها در باره طرح جرج شولتزگواه این ادعا است. اینان بسترای موقعیتهای بهتر و راحت تر دقیقه شماری می کنند. در طرف دیگر ما کشوری چون سوریه قرار داده که قیام را حداقل در حرف مورد حمایت قرار می دهد و این به این دلیل که ناس با زین گرفتن ارتفاعات جولان را بهتر کرده و موقعیت رفیقای عرب را در مبارزه برای هژمونی در منطقه تضعیف کند. حمایت منحص اما صورت نمی گیرند تا از درگیری مستقیم با اسرائیل و امپریالیزم اجتناب شود. در این رابطه نباید ز نظر دور داشت که سوریه به مقدار قابل ملاحظه ای با کمکهای مالی عربستان سعودی و سایر دول عربی خلیج زندگی می کند. بعلاوه همه بررسی های انجام شده در سرزمینهای اشغالی نشان میدهد که نفوذ اردن در این سرزمینها بسیار ناچیز است و غالباً دوران حکومت اردن به مراتب بدتر از حکومت صهیونیستها تصویر شده است. بنا بر این قیام توده‌ای موقعیت طرفداران اردن در فلسطین و قبل از همه نمایندگان بورژوازی و اشرافیت سنتی و سپس همه با ملاحظه "میانرو"ها را بشدت محدود کرده است.

س: برآمد توده‌ای چه تا شیراتی برجا مع اسرائیل دارد؟

ج: برآمد توده‌ای در فلسطین طبعاً به یولاریزاسیون جامعه اسرائیل منجر می شود. خلاصت میا جسر استعمارگر صهیونیست به نوبه خود، قبل از همسسه گرایشات ارتجاعی، شوونیستی و ضد عربیسی را تقویت می کند و بنا بر این درجه یولاریزاسیون جامعه اسرائیل به این بستگی دارد که تا چه میزان برآمد توده‌ای با اتکاء به اشکال مبارزاتی و تداوم آن، تا شیر مستقیمی بر زندگی جمعیت بپسودی داخل اسرائیل داشته و این جمعیت را تا چه میزان به اتخاذ تصمیم مجبور می کند. به میزانی که نسبتاً توده‌ای و شیوه‌های خشن مبارزه با آن گرایشات فاشیستی در داخل اسرائیل را تقویت می کند، بخش

در حال رشد صهیونیستیای "اسرائیل" در داخل و خارج از اسرائیل را نسبت به این کنسوریکانته کرده و شاید برای همیشه موقعیت یهودیان غیر صهیونیست و ضد صهیونیست را تقویت و تائیس راه حلی غیر اعتقادی (غیر مذهبی)، مترقی و دموکراتیک را برای بحران خاور میانه بپوشد. این امر مربوط به آینده است، امروز یهودیانی که خواهان راه حلی برای مسئله فلسطین با قبول تحقق حقوق ملی خلق فلسطین می باشند یک اقلیت نا توان و کوچک را تشکیل می دهند.

س: نظرتما درباره اعراب اسرائیل و نیروهای ترقیخواه این کشور چیست؟

ج: اعراب داخل اسرائیل فعلاً نه با قیام توده‌ای اسرائیل همبستگی نموده و تعلق خود را به خلق فلسطین مورد تاکید قرار داده اند. این بخش در حال رشد جمعیت اسرائیل و نیز نیروهای ترقیخواه یهودی آنها وقتی می توانند نقش بزرگی را ایفا کنند که مناطق اشغال شده در سال ۱۹۶۷ آزاد شده و در آنجا یک دولت - امیدوارم - بلحاظ اجتماعی و سیاسی نمونه برای منطقه و ترقیخواه تشکیل شود. آنگاه صهیونیست زده‌ای قطعی جامعه اسرائیل بمانا به پیش شرط زندگی مشترک و صلح آمیز یهودیان و فلسطینیان در دو کشور و یا یک کشور لایک و دموکراتیک مشتوک، در دستور کار قرار می گیرد.

س: چه نظری درباره طرح شولتزگوارید؟

ج: نظر ما عدی ندارم. این طرح یکی از تلاشهای متعددی فایده و در عین حال خطرناکی است که به فی خواهد مسئله خاور میانه را به نحوی حل کند که با یک جراحی تزئینی این منطقه در راستای منافع امپریالیزم آرا شده و شتاب یابد. در این جهت تداوم تئیا تا اسرائیل به مانا به مرکز ثقل انگلیس امپریالیزم مورد توجه طرح شولتزگوار قع شده و به خلق فلسطین سرکوب پوشیده توسط رژیم اردن و کنترلیهای نیایشی دیگر توسط اسرائیل اعطای می شود. قیام کنندگان فلسطینی عامل اصلی در نقش برآب شدن این طرح و انواع مشابه آن هستند. قیام آنها از یک سو به زنگاران عسکری جرات شرکت در این سرهم بندی را نداده و از سوی دیگر موقعیت افراطیون صهیونیست را در طرف ثامیر - که خود حا صر شده اند - کوچکترین و ناچیز ترین امتیازات لازم برای این طرح نیست. را تقویت می کند.

س: طبقاً تا جامعه فلسطینی در مقابل طرح شولتز چه موضعی اتخاذ می کنند؟

ج: تحت شرایط وجود اقتصادی توسعه نایافته و توسط استعمار دنور مه شده و میمتر از همه تحت شرایط سرکوب، هنوز همه طبقه تا این جامعه خود را قبول برنا مادی دقیقاً شریف شده و تفکیک شده از برنامدهای سایر طبقهات شکل نداده اند. بطور عمومی می توان گفت که بخشی از بورژوازی همیشه برای ما نوردادن آمادگی و تمایل دارد. یک نمونه برای اینگونه ما سورها تا سیسور، تا شورشیه الفجر که در اورشلیم (بیت المقدس) ترقی نثر می باشد

می باشد که بعنوان اولین فلسطینی سرشناسی در یک گرد هم آیی حش اسرائیل - صهیونیستی - صلح اکنون شرکت کرده و تلاش زیادی نموده خود را برای طرح صلح آمریکا که مورد حمایت وزیر خارج اسرائیل، شیمون پزومی باشد، معرفی و تبلیغ کند. برآیند این اطراف وی تا حدی خلوت شده است. وقتی که قیام بدون نتیجه بزرگی فروکش نکند، اقدامات مشابه از سوی بورژوازی سازشکار فلسطینی مجدداً صورت خواهد گرفت. جنس نیرو - هائی در داخل سازمان آزادی بخش وین از همه در رهبری سازمان غیر همکن الفتح نیز وجود دارند.

ادامه از صفحه ۳  
پیرامون ما جرای سیتته پاریس

امروز سردمدار جنبش خطی "حزب کمونیست" کومه له است که با مراحت از طریق اسناد حزبی خود در مورد منحل کردن سازمان هائی چون "سودو اکثریت" و مجازات دست اندرکاران آنها سخن می گوید اما نه تنها کلمه‌ای در باره خائنیت های گروه بندی فدشوری اسرائیل نگفته بلکه با گذشت تمام، با آنها دست به وحدت عمل می زند و نیروهای آنها را به صفوف خود نیز فرا می خواند. در این میان، جریان توکل را می بسیم که در عمل و در همه جا بدشال جنبش خطی روان است. این جریان که در حرف، با ملاحظه با کمیت خارج خود، مانند زهری، بر سر وسایل امپریالیسم پرستی می کند، نا توان از درک، مضمون واقعی حرکت "حزب کمونیست" کومه له از اتخاذ موضع مستقل در عمل درمی ماسد و اینجا و آنجا با گردشوری هم آوی می شود. از طرف دیگر این جریان گنج سر که هیچ درکی از دمکراسی ندارد در باره بنگونه حوادث سار دیگر در کنار همان کسانی قرار می گیرد که همدا ر مسئولیت جماعتی گذشت را بر سر آنها خسران کرده است. چنین عواملی است که ماسد شده مسائلی به این روشی، یعنی تغییر موضع سیاسی یک عده و درخواست یک حزب تازه با مواضع فدرالیستی برای حضور در یک مجله دمکراسک این قدر بیجوده و غامض شود. به همین دلیل است که ما به خود حق می دهیم بگوئیم، علت اصلی این همه سخت گیری آنست که حزب مذکور "روبی و نسل" است و سوال کنیم چرا این گروهی که این همه جرات از خود نشان می دهند، وقتی در کنار سی بدرون قرار می گیرند دچار سراسمکی می شوند.

با کمک‌های مالی خود  
سازمان را در امر مبارزه  
انقلابی یاری رسانید

# انتخابات فرانسه

شخصیت‌های تکنوکرات، و تکرار پیشنهاد همکاری، مومی نشا نگر عزم می‌تواند در ادامه سیاست راست میانه و ائتلاف با احزاب آن‌هاست اما از موضع قدرت، از موضع حزبی که صاحب اکثریت پارلمانی است، اینست آنچه توان کنونی در صحنه سیاست فرانسه بطور کلی و در میان راست سنتی بطور مشخص را موجب شد. ما است.

این انتخابات در همین حال نمودار افق فاحش، نفوذ انتخاباتی حزب کمونیست فرانسه بود. این حزب با کسب کمتر از ۷ درصد آراء، یعنی نصف حزب فاشیستی جبهه ملی، به مقام حزب دست دوم در سیاست پارلمانی فرانسه سقوط کرد. نداشتن یک برنامه منسجم و اتخاذ سیاست رقابت با احزاب بورژوازی برای جلب افشارمائی، بدون آنکه حزب پایه کارگری خود را متقاعد و متحد کند، در کنار ادامه سیاستهای سکتاریستی و بوروکراتیک، تصفیه‌های غیر مکرراتیک و مواضع متزلزل در کلیدی ترین مسائل حیات سیاسی و اقتصادی فرانسه، همه و همه دست بدست هم انداخته تا بدترین شکست انتخاباتی دهه‌های اخیر را نصیب این حزب بکنند. حزب کمونیست چیزی برای عرضه کردن و متقاعد کردن طبقه کارگر نداشت و مقابل مانورهای می‌توان تنها ایسک تا شاگرد متفعل باقی ماند. اکتان بشعاره‌های اتحاد بیای نظیر "دست‌زد حداقل معادل ۶۰۰۰ فرانک"، "پیش بسوی تولید جنس فرانسوی"، "دفاع از حقوق مکرراتیک در چارچوب کارخانه"، "صلح، برابری، مساوات"، تنها برای بخش سازمان یافته طبقه کارگر، آنهم نه تمامی بلکه آن بخشی را که حول "دوش" کفند راسیون عمومی کارگران جمع شده‌اند، جذاب بود. با این محدودیت‌ها این جذابیت الزاماً خود را در حوزه سیاست به فرای تبدیل نمی‌کرد. در یک کلام حزب کمونیست فرانسه برنامه‌های برای خروج از بحران، برخورد به مسئله بیکاری و تنها جمهوری‌خواهی به دست آوردن و حقوق مکرراتیک کارگران نداشت.

از جانب دیگر نیروهای کفند تا در سمت چپ حزب کمونیست فرانسه قرار دارند، اعم از گروه‌های چپ یا بخش مهمی از اگولونیست‌ها (طرفداران حفظ محیط زیست، "سبزها") در این انتخابات در مجموع، نزدیک به ۱۰ درصد آراء را کسب کردند. این یک تغییر مهم در نقش و نفوذ انتخاباتی آنان و دلیل دیگری بر ضعف حزب کمونیست، در رسیدن یک نیروی چپ، واقعاً موجود و آماده فعالیت بود. در حقیقت حزب کمونیست چنان مشغول رقابت برای جلب رای دهندگان متدلیل به حزب سوسیالیست و اصولاً طرف میانه بود که کوچکترین توجهی به تطبیف حاضر در جناح چپ، خود بدون نمودن و توان آن را نیز پرداخت، قدرت‌گیری طیف چپ را در یکال فاکتور جدیدی است که در شرایط ادامه وضعیت بحران سرمایه‌داری می‌تواند نقش مهمی در بسیج کارگران و زحمتکشان فرانسوی ایفا کند.

تمام تغییرات و عوامل فوق‌الذکر بر این حقیقت بقیه در صفحه ۷

سوسیالیست و غیر چپ، برای دست بدست هم دادن و کوشش برای "بازسازی آرام" و "مدیریت سوسیالیستی" تمام با حمایت از فترا و قشار محروم، کار خود را کرد. در همان حال و خطاب با اکثریت پارلمانی که از ائتلاف راست و راست میانه تشکیل شده است، سیاست همکاری برای عدم انحلال پارلمان را پیشنهاد کرد. در واقع سوسیالیست‌ها از راست میانه دعوت می‌کردند تا هم‌زمنی سوسیالیست‌ها و بطور مشخص رئیس جمهور سوسیالیست را بپذیرند، به برنامه با علام و فاداری کنند تا در صورت پیروزی می‌تواند که پیروزه پس از وراول انتخابات کاملاً قطعی شده بود، مجلس منحل نشود و کرسی‌های آنان به خطر نیفتد. شرط ضروری تمام این تاکتیکها، ارائه یک برنامه مسانترستی و "مقول" در چارچوب نظام سرمایه‌داری بود. این شرط بتامی از جانب می‌توان و حزب سوسیالیست رعایت شد. اگر می‌توان سال ۱۹۸۱ با شعار "تغییر و پیشرفت با چپ" و بر اساس یک ائتلاف (هر چند نیمه پند) با حزب کمونیست و بر اساس "برنامه متحد چپ" ائتلافی روی کار آمده بود و همین باعث هراس و تشنج در بورژوازی سقوط بورس پاریس و فترامیاری ها فرانک سرمایه زفرانسه شد. در سال ۱۹۸۸ با شعار "آشتی ملی" و برنامه‌های خالص رفورمیستی و متدلیل به مراتب بدون درامی "سوسیالیسم" و یا حتی یک برنامه چپ‌گرنه و صورتی، به روی کار آمد. هفت سال حکومت می‌توان ۵ سال دولت سوسیالیست تحول حزب سوسیالیست به یک حزب ناب سوسیالیست و مکرراتیستی جوهره افغ سرمایه‌داری را تکمیل کرد. انتخابات ۸۸ نقطه‌هایی بر حیات حزب سوسیالیست به با حزبی که، حداقل در برنامه و شعارها، خود را "نایند چپ، مکرراتیک" معرفی می‌کرد، گذاشت. حزب سوسیالیست فرانسه امروزه بتامی در جناح راست ائتلاف سوسیالیست قرار گرفته است. همین امر است که باعث بحران در راست سنتی و رقابت حزب سوسیالیست با حزب شیراک برای جذب میانه‌روها شده است. اما حزب سوسیالیست این رقابت را از موضع قدرت، با اکتان، به فرای در صدی می‌توان، به پیش می‌برد و دست به همین دلیل وقتی رهبری راست میانه (یعنی احزاب متشکله در "اتحاد مکرراتیک فرانسه" UDF) و بطور مشخص سانستریستهای CDS) پیشنهاد اولی ائتلاف پارلمانی را رد کرد، می‌تواند را اعلام انحلال پارلمان لحظه‌ای درنگ نکرد. تا مین "میشل روکار"، از رهبران جناح راست حزب سوسیالیست به عنوان نخست وزیر، دادن پست وزارت به برخی از وزرای سابق دولت شیراک دست و نیز چند تن از

در هشتم ماه مه گذشته فرانسه می‌توان ۴۵ درصد آراء بر تریب خود ژاک شیراک پیروز شد. این اولین بار بود که یک رئیس جمهور برای بار دوم در جمهوری فرانسه با رای مردم انتخاب می‌شد. این یک پیروزی بزرگ، برای حزب سوسیالیست و پیش از آن خود فرانسه می‌توان بود. انتخاب می‌توان با فاصله زیاد به بحران احزاب دست راستی در آن زمان، ژاک شیراک با تنها احزاب پستیهای شهر پاریس، نخست وزیر و بانکا، به حزب خود RPR موفق به کسب مقام اول در میان کاندیداهای دست راستی شده بود. با این باخت در چاریک شکست جدی و عقب نشینی در برابر رقبای خود شیراک دست و ریمون بار در طیف راست گذشت. اکتان می‌کرد که با کسب آراء قابل توجه قادر به تثبیت مقام رهبری "بلا مانع" در احزاب دست راستی، و آنهم برای مدت طولانی خواهد شد. اما رای مردم بکلی این محاسبات را بهم ریخت. اکتان طرف رشد قابل ملاحظه حزب فاشیستی "جبهه ملی" لوپن (که نزدیک به ۱۵ درصد آراء در وراول کسب کرد) به معنای بی‌اعتنایی ارتجاعی ترین رای دهندگان طیف راست به او بود و از طرف دیگر بدین آراء آنان او نمی‌توانست می‌توان را شکست داد و بیا به شکست آبرومندانده ای دست یابد. اما "جلب اعتدال" این دست‌سسته‌سظم چرخش با هم بیشتر به راست و اتخاذ شعارهای نژاد پرستانه و ضد خارجی هرچند شکار تریون چرا که بخش قابل توجهی از رای دهندگان به "جبهه ملی" گرچه فاشیست نیستند اما خروج از بحران و بیکاری ناشی از آن را با "حل" مشکل مهاجرت می‌دانند. یعنی همان "راه‌حلی" که توسط بهترین جناح بورژوازی بتامی به توجیهی برای حمله به حقوق مدنی و سیاسی طبقه کارگر، عنوان می‌شود. اما این چرخش باعث راندن شدن بخش "میانه‌رو" رای دهندگان سنتی احزاب راست فرانسه می‌شد و هم‌طور نیز شد زمانی که شیراک با میانه با خمینی و حمله خونین به استقلال طلبان کالدونی حدید چهره "مصموق‌الع" برای دفاع از منافع فرانسه و حفظ جان فرانسویها را گرفت، بخش قابل توجهی از "میانه‌ها" در هراس را "بهم خوردن صلاح اجتماعی" به سوی می‌توان چرخیدند. شیراک حقیقتاً در یک سنگ آسیاب گیر افتاد بود. در مقابل می‌توان با تالیپ روی "اتحاد فرانسه‌ها"، "حفظ صلاح اجتماعی"، "بسر بردی به برابری و عدالت اجتماعی" نقش "متحد کنند" فرانسویها برای تلاش همگانی در خروج از بحران در همین وفاداری به سنتهای جمهوری فرانسه در رعایت حقوق مکرراتیک هم‌طور جمله خارجیه است. توانست پایه مستحکم در طیف میانی چپ میانه را برای خود جستجو کند. پیروزی ائتلاف سنتی میان "راست" و "راست میانه" را در چار بحران جدی کرد. "چراغ‌زدن" های می‌توان به "فرانسویهای غیر-

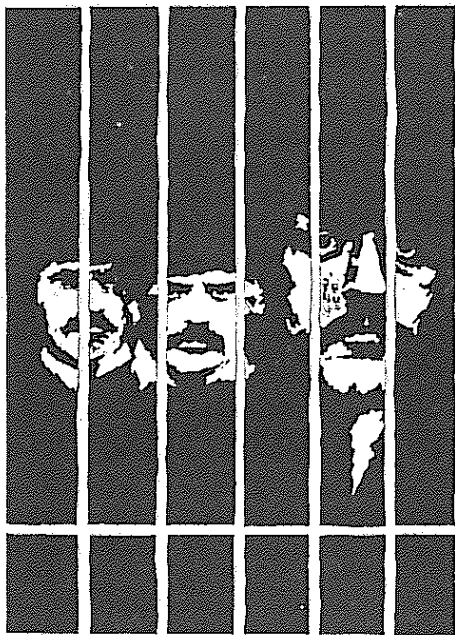
# اوین، جاده‌ای از شمشیر

-۱-

اطاق مال چیسپا بود که اکثر شما زنی خوانند،  
 مخصوصاً تا ق ما که ملاکی نماز نمی‌خواند. از شما بپا  
 گفتند، خود فروختگانی که دست به هر عمل شیعی  
 می زدند، بعدها خودم دیدم، دیدم چگونه موجوداتی  
 هستند حتی از آوردن نزدیکان خود، با شش  
 ندا شدند. هر روز برای خیابان گردی، کار در شعرات  
 با زحوشی، اعمال خلاف اخلاق سایر حـ  
 صیغه می شد. درون بندجا سوس داستانی  
 بودند با گزاشیای خود بچه‌ها را زیر شکنجه، بسه  
 انفرادی و حتی برای تیرباران میفرستادند و  
 خودشان تیر خلاص می زدند!!

در حقیقت هر آنچه را که محکوم بود به بیای  
 آزادی! خود، تخفیف حکم و... انجام میدادند. در  
 حقیقت اینها با خنگان را زندگی تیرا فتمند'ند  
 بودند. هر چند که میداستم اغلب اینها متحمل جد  
 شکنجه‌های وحشیانه‌ای شده اند ولی با همه اینها  
 به آنها حق چنین کارهایی را نمی‌دادیم. کوچک -  
 ترین اعمال، از صبح تا شب زیر ذره بین بگسند  
 آنها بود میداستم یا با هر روز، ناما اعمال ما  
 بدست با زجو میرسد. معلوم نبود بر سر کدام بخت -  
 برگشته‌ای عقده‌های خود را خالی خواهند کرد.

شالمو - از شعریافت



## انتخابات آداما ز صفحه ۶

دلالت دارند که فضای سیاسی فرانسه در چار تحول  
 عینی شد باست. در صفت بدی فای - حتی "چپ"  
 و "راست" مبارزه سیاسی در این کشور از لاسهای رخ  
 را باست. تا اثرات و نتایج قطعی این تحول در  
 سالهای آتی خود را با قدرت تمام آشکار خواهند  
 ساخت.

دارند، همه کسانی که مطمئناً حرف نخواهند زد.  
 با لایحه نزدیکیهای غروب بود، چون هوا تاریک شده  
 بود، بعد از آن هیماشی طولانی و دشوار که به دفعات  
 به زمین می افتاد و بسه سخنش  
 بلند می شد، به ما ختمانی وارد شدیم و به طبقه  
 دوم رفتیم. در یک راهروی طولانی راه می‌مومد و دختر  
 و پسرهای را می‌دیدم که تا زانوی خود را با ندیجی  
 کرده اند و با دکرده و خون آلود در داخل نایلون  
 کرده می نالیدند. با لایحه پشت در تا قی بسه  
 انتظار نشستیم در و طرف راهرو تا قیای بود که از  
 صدای بیم خوردن درها می شنیدیم زیرا داست .  
 جمعیت زیادی در این راهرو بود. ابتدا آنقدر  
 خسته بودم که سرم به دوار افتاده بود ولی بکوهیا  
 صدای فریاد دختری از جا پریدم. همراهای بسن  
 فریادها، ناله‌های اطرافیانم، تقاضای گریه آلود  
 عده‌ای برای رفتن به دستشویی، همه از درد کلیسه  
 می نالیدند. در تمام مدت صدای فریاد دختری سالن  
 را پر کرده بود در ضمن عده‌ای نیز در اتاقهای دیگر  
 با زحوشی میشدند که از هیچ معلوم نبود در خیابان  
 سا داشت شده اند و شش بیس از  
 شکنجه بسیار با زجو مطمئن می شده و اما اینها  
 رهگذری بوده اند و دست از سرشان بر میداشت. تازه  
 اغلبشان ۶ ماهه‌ای بگسال با همه بیگناهی‌شان  
 می ماندند. چند روز از میبنا سرخسرو گذشته بود و  
 اینها را برای همین گرفته بودند. در سالن معرکه -  
 ای بود از فریاد دوجیع، ناله، التماس، فحش و کتک  
 و ناسزا به جود آبا دمجرم. صدای کتک خوردن و فریاد  
 دختر قطع نمی شد. دیگر انتظار که نه بلکه آرزوی  
 مرگش را داشتیم چون فکرمی کردم که اینها دست از  
 سرش برنخواهند داشت. نمی‌دانم در چه حالی بودم  
 گویا چادرم کمی کنار رفته بود و چند تار مو بیرون  
 آمده بود که با لگدی سخته بخود آمدم.

اگر با زجو نیم تمام میشد نفس راحتی میکشیدم،  
 اما این انتظار چند روزی طول کشید و با ره همان  
 س-ج و بر خوردها ...

بعد از مدتها با لایحه بگروز بعد از ظهر بحسای  
 سلول مرا به بند عمومی آوردند. وقتی وارد بند  
 شدم با چنان جمعیتی روبرو شدم که اصلاً نتظسار  
 نداشتم. جسمیای بی شمار را برابراندا میگرد-  
 می خواستند ببینند آشنا نیست! و شروع به س-ج  
 کردند. میا نگین سنی، خیلی با شین بود و در حقیقت  
 اکثر ا بچه مدرسه‌ای بودند. زیر چشمها عموماً بسه  
 دلیل تغذیه بد و فشارهای روحی وحشی کسود بود.  
 باها با ندیجی شده... میداستم چه بلای سرشان  
 آمده، بعد از س-ج دوستانه از اوضاع و احوال  
 بیرون پرسیدند و سپس آنها را از اوضاع آنجا گفتند.  
 ترکیب اتاقها، مذهبیها و چیسپا، ارزش اطاق دو

با رون میامد، بدنبال کاری رفت و دو ساعت بعد  
 داشتیم بطرف خانه میامدم که دستور توقف ما شین را  
 توسط گشت دادستانی شنیدم. نگاه داشتم و کمتر از چند  
 ثانیه آنها مرا با خوشونت از ما شین بیرون کشیدند.  
 دوساک در ما شین داشتیم که خواستند در آنها را بساز  
 کنم، بعد از دیدن نشریه مرا بطرف ما شین خودشان  
 هل دادند. در بین راه بطرف اوین به خیلی مسائل  
 فکرمی کردم، به ما درانی که بعد از شنیدن اعدام  
 فرزندان نشان که اکثر ا در فقر و سختی بزرگ کرده  
 بودند چگونه میبوه و زاری کرده و به نیکی از آنها  
 یاد می کردند. میگفتند فرزندان نشان جز محبت و  
 عشق به مردم "جرمی" نداشته اند! ولی راه مبارزه  
 جز این نبود. فقط آرزوی کردم با رغبت آنها زیاده  
 نباشد، به آنها می گفتم، ما مبارزه می کنیم که  
 فقر، گرسنگی، بیگاری و جنگ و هزاران مصیبتی که  
 خود شما با پوست و گوشت خود لمس کرده‌اید بر ما نماند  
 ما زیم، تا فرزندان ما در فردای بهتری بزرگ شوند  
 ...

مرا به اوین بردند. بعد از رفتنش بدنی (حتی  
 درون دهان) به اتاقی رفتیم که با یکسری فحش و  
 بدویرا ه مواج شدم، دوباره به اتاق دیگری رفتیم  
 و با فحش و مسخره کمی س-ج شدم. تا اینجا بدنسود  
 و تازه درونم آتوبی بیاشد با یک چشم بند و حمل دو  
 ساک همراهی در محوطه اوین را می بیمودم و بدلیل  
 راه رفتن با چشم بسته تا کنون، چندین بار افتادم  
 تا با لایحه به سلولی رفتم که تا لای محب آب سرد و  
 کشیف بود. مدتی فکر کردم اینجا چند نفر هستیم،  
 همان ابتدای ورود صدای پسری که خواست او را به  
 توالت ببرند را شنیدم که البته با صدا را خونست  
 جواب منفی داد. غریزه‌اشان که می خواهد ندا  
 در چگونه جانی است، بمن فشار می آورد و دارم  
 می گردا ز زیر چشم بندنگا که کم میباید اینکته تهدید شده  
 بودم که اگر نگاه کنی چه وجهی کنیم ولی غریزه  
 قوی تر از این تهدیدها بود. سلولی بودند دایره  
 که قطرش در میلیهای بود و نگهبان بیرون پشت به ما  
 ایستاده بود. روبروی ما با غی بود پیرا ز درخت و گل  
 و بجز ما کسی نبود. روی دوزا نونسته و سر را روی  
 زانو ان گذاشته بودم بعد از مدتی نمیدانم چه مدت  
 آنقدر کم در در گرفت که دیگر توانایی ایستادن  
 نداشتم. در ضمن، سرما به مغز استخوان نفوذ کرده بود.  
 گرسنگی نیز فشار می آورد. روی زانو نشستم و لسی  
 پس از مدتی دیگر نمی توانستم با ایستم و با روی  
 زانو نشستم همینطور که روی زانو بودم بکوهیا هام  
 تا شود در آب افتادم تا کم رخیس بودم و سرما داشت  
 از با می انداختم. از یکطرف نگارانی و نشویسش  
 اینکته با چه بر خوردی روبرو خواهد شد. آبا از بس  
 شکنجه بر خواهم آمد، نگارانی که همیشه همه زندانها





گزارشانی از  
برگزاری مراسم

اول ماه مه



● راهپیمایی اول ماه مه در گوتنبرگ - سوئد

پایان راهپیمایی نمایندگان از "کنگره ملی آفریقا" و "جذبش آزاد ریش فلسطین بدناستیت روز جهانی کارگر پیامدادند و دبیرکل حزب کمونیست م. ل. انتلابی در سخنرانی خود فروش اسلحه سوئدی به دولت ایران و کشورهای دیگر را محکوم کرد. مراسم با خوانندگی شدن سرود انترناسیونال از سوی راهپیمایان خاتمه یافت.

کردید ( برگه میفرود و دولت ایران حمایت می کند " رفقای ما با حذف آرم سازمان و شعار " سرنگون بساد جمهوری اسلامی -- برقرار باد جمهوری دیمکراتیک خلق " فعالان به دعوت حزب کمونیست م. ل. انتلابی سوئد در راهپیمایی شرکت کردند و تعدادی از ایرانیان با بدین شعار سرنگونی جمهوری اسلامی بزرگان فارسی از تاشاگران جدا شده و به صف رفقای ما پیوستند.

روز اول ماه مه صد ها نفر در راهپیمایی به مناسبت همین روز در شهر گوتنبرگ سوئد شرکت کردند. جمعیت گاه از خیابانهای مرکزی شهر میگذشت، شعار می داد: " جبهه سرخ! مبارزه طبقاتی! "، " نابود بساد امپریالیسم، زند بهاد سوسیالیسم "، " بوفورس (کمیانی سوئدی تولید کننده اسلحه دولو لازم جنگی کمانی را معادلات آن باد ولتهای ایران و چند کتورد یگر رسوا



● راهپیمایی اول ماه مه در هایدلبرگ - آلمان فدرال

سخنرانی کرد دوروی شعارهای ضد اخراج و ۳۵ ساعت کار رفته تأکید نمود. رفقای ما فعالان در این راهپیمایی شرکت کرد با حذف پلاکاردها و بخش اطلاعاتی به دست به افشاکری و هدایت از خواست طبقه کارگر آلمان زدند. بعد از راهپیمایی در حاشیه شهر جشنی

در شهر هایدلبرگ که یکی از شهرهای آلمان فدرال است، بعد از ساعت ۱۰ صبح سراسری کارگران آلمان ( DGB ) راهپیمایی روز جهانی کارگر، ساعت ۱۰ روز اول ماه مه با شرکت نیروهای سیاسی آلمانی و خارجی برگزار

● تظاهرات اول ماه مه در برلین غربی

اسال برعکس سالهای قبل برای بزرگداشت روز جهانی کارگرو روز اتحاد طبقاتی کارگران جهان و تظاهرات در برلین غربی برگزار گردید. تظاهرات اول سال دهه سال توسط کنگره راسیون سراسری سوسیالیستهای کارگران آلمان سازماندهی شده بود و تعدادی از نیروهای سیاسی خارجی نیز در این راهپیمایی شرکت کردند. رفقای ما با حمل پلاکاردها و شعارهای سازمانی در این راهپیمایی شرکت کردند.

تظاهرات دوم گاه زمانت یک بعد از ظهر در منطقه ففنیرو خارجی نشین برلین غربی " کویتسبورگ " آغاز گردید، توسط " آنا نومبا " و نیروهای ضد امپریالیست و چپ آلمانی که معتقد هستند کنگره راسیون سراسری به طبقه کارگر خیانت کرد با ست، سازماندهی شد بهود. علیرغم وجود این گرایش که سازماندهی تظاهرات جدا از اتحادیه های کارگری، نیروهای سیاسی را از یزله کرد و بیانش جدایی هر چه پیشتر آنها از توده های کارگرمی شود و اینکه این امکان در صف اتحادیه ها وجود دارد که هر نیروی شعارهای خود را مطرح کند، اکثریت نیروی آنا نومب به برگزاری تظاهرات جداگانه تصمیم گرفتند. در این تظاهرات حدود ۸۰۰۰ نفر از نیروهای سیاسی برلین غربی و نیروهای سیاسی خارجی پیروز ترکها شرکت کردند.



برای بزرگداشت اول ماه مه برگزار گردید که در فضای ما با دایر کردن میز کتاب و تبلیغات در آن حضور یافتند.

گردید تعداد خارجیان شرکت کنند در راهپیمایی بیشتر از آلمانها بود و در پایان راهپیمایی سرود انترناسیونال خوانده شد. در متن از سوی DGB



● راهپیمائی اول ماه مه در لندن

روزیکشنبه اول ماه مه، روزهمبستگی جهانی طبقه کارگر در لندن تظاهراتی بدین مناسبت با شرکت نیروهای سیاسی انگلیسی و خارجی برپا گردید. حدود ۱۶۰۰ نفر در این راهپیمائی شرکت کرد. بهر حال، که ۶۰٪ آنها را کارگران و عناصر مترقی ترک هوادار سازمانهای چپ ترکیه تشکیل میداد. رفتاری با حامل پلاکاردها در این راهپیمائی شرکت کرد. باوقتم به پیش اعلامیه کمیته مرکزی سازمان بهمناسبت همین روز نمودند. جالب توجه اینک، بدلیل بحران فزاینده بیکاری در انگلیس و حرکات جدید طبقه کارگر آنجا و فداکاریهای سازمانهای چپ ترکیه در سازماندهی کارگران ترک، تعهدات شرکت کنندگان نسبت به سال قبل در همین روز و برابری بود. راهپیمائی برعکس سال قبل بجای خیابانهای اصلی شهر، از محلات فقیرنشین و خارجی نشین عبور کرد.



● اول ماه مه: پیاریس

اسال نیز مراسم اول ماه مه باشکوه هر چه تا متر برگزار گردید. همبستگی واتحاد نیروهای طبقه کارگر علیه سرمایه داری بنمایش گذاشت. در مراسم اسال علیه رقم اینک CGT و CFDT (دوسازمان عمده کارگری) جداگانه مراسم برگزار کردند. وهوا بسیار ناساعد و پارانی بود. در مراسم کبه دعوت CGT برگزار شد رقم شرکت کنندگان طبق اخبار رسمی (طویزیون ۱۰۰۰) د نوینم برابرت رسمی سال قبل، یعنی ۵۰۰۰۰ نفر اعلام شد.

در این مراسم شعار اصلی CFDT: " برای همه چیز، مبارزه می یاید " بود، که در کنار این شعار، شادی شدیابه " لوین " نشوفا شیس و شیراک و پاسکوا حله می کردند.

می یاید"، " میتران یا شیراک" وهر چیزی مبارزه می خواهد". در این مراسم تعداد بسیار زیادی از سازمانهای کارگری، کمونیستی و بوکراتیک خارجی شرکت داشتند که جابوای از اتحاد بین المللی کارگران را نشان میداد.

در این میتینگ راهپیمائی که طبق فراخوان، از ساعت ۲/۵ عصر روزیکشنبه، در میدان " باستیل" برگزار شد، رفتاری ماد فراتر شد، باخطراهیت موضوع جنگ ایران و عراق، نقل شعارها و تبلیغات خود را به آن اختصاص دادند. بهمین خاطر هوشک عظیم - الجشای را که نشانه ویرانگری و نقض صلح بود، در حال اصابت به کیوتری بر فراز یک کامیونت قرار داد و کیوتس (صلح) دیگری پیشاپیش جمعیت (در میان دستان دوزخیک که لباس کارگری بتن داشتند، حرکت می کرد و نشان میداد که صلح واقعی و پایدار از آنها

زند میاد اول ماه مه - زند میاد مبارزه طبقه کارگر - زند باد انترناسیونالیزم - مرگ بر جمهوری اسلامی - پیروز یاد رزم کارگران ایران - جنگ ایران و عراق را قطع کنید - زند میاد صالح، زند میاد رزم خلق کرد - زند میاد مبارزه خلیفهای ایران، ترکیه و عراق - زند باد اتحاد کارگران سراسر جهان و...

این میتینگ راهپیمائی که ساعت ۲/۵ آغاز شد، حدود ۲ ساعت جمع و صف آرائی، راهپیمائی خود را آغاز کرد و پس از طی کیلومترها مسافت در خیابانهای اصلی شهر پاریس، ساعت ۷ به دژ ظنر با نریاد سرود انترناسیونال پیراه - پیمائی خود در محل بلوار هسمان پایان داد.

● اول ماه مه در کلن - آلمان فدرال

کا ربرای همه،

عدالت برای همگان

بنابند دعوت DGB کفد راسیون مراسمی اتحادیه های کارگری آلمان هزاران تن از کارگران و زحمتکشان کلن طی تظاهرات و میتینگ باشکوهی اول ماه مه روزهمبستگی جهانی کارگران راگرمی داشتند. اسال آنان زیر شعار " کاربرای همه، عدالت برای هرکس " به میدان آمد. نبودن و این در شرایطی است که طبقه کارگر آلمان در صف آرائی جدیدی را در مقابل بورژوازی آغاز کرده است. این صف آرائی در سال قبل ماشعار ۳۵ ساعت کار در هفته و تا نسبت قدرت طبقه کارگر متحد را یک بار دیگر به نمایش گذارد و اسال می روی تا بدین مبارزه عمیق بپوشد.



شعارهای چشمگیر دیگر عبارت بود از: " برای افزایش حداقل دستمزد ۵۰ به ۶ هزار فرانک قیاس زه شمارهای اصلی رفتاری با عبارت بودن اسال از:

### "پیروزی در جنگ و پیا مدهای با زدا رنده دا خلی"

"ما با کردهای عراق همان عملی را می کنیم که با کردهای خودمان"

ها شمی رفسنجانی، طی مصاحبه ای با خبرنگار تلویزیون ترکیه، ضمن تاکید بر دادا، مد جنگ تا سرنگونی مدام، در مورد تصرف مناطق کردنشین عراق توسط ایران و آینده این تصرف مطالبی عنوان کرد که به خاطر جالب بودن آن، عین سوال و جواب را در زیر می آوریم:

خبرنگار: بعد از اینکه در شمال عراق با همکاری کردها علیه رژیم عراق به هدف نهایی خود دست یافتید مناسبات بعدی شما با آنان چگونه خواهد بود؟ چون مجبور هستید در مقابل ایشان همکاری چیزی به آنها ندهید.

رئیس مجلس: ما فکرمی کنیم کردهای عراق مظلوم هستند... ما فکرمی کنیم اگر با کردها مثل یک هموطن مسأوی با دیگران رفتار نشود آنسان نیازی ندارد که مخالفت کنند. ما همانگونه که با کردهای خودمان در ایران عمل می کنیم و آنان را مثل فارس و لر و عرب ها مسأوی می دانیم فکرمی کنیم با کردهای عراق هم همینطور باشد. مسأله ای بنا می کنیم که نخواهد داشت و آنسان احساس مظلومیت نخواهد کرد!

خبرنگار: درست متوجه شدم که شما از نوعی خود مختاری سخن می گوئید؟

رئیس مجلس: اینها مربوط به داخل عراق است ما در آراءه ملت عراق دخالت نمی کنیم، اگر ملت عراق خواست خود مختاری بدهد به مجموع آنان خود مختاری می دهند اگر خواستند با هم به گونه دیگری عمل کنند عمل می کنند. ما در داخل ایران بنا نداریم به کسی خود مختاری بدهیم در داخل ایران همه با هم مسأوی و شریک در اداره کشور هستند.

از آنجا عملیات نظامی نهایی بوده است، اما مبارزات هدایت شده ایم که علی رغم استقبال شدید جوانان، این نیروها تنها در "ادامه جنگ" به شکل موجودش مورد استفاده قرار گرفته اند و در کسب پیروزی کمتر دیده شده است... سخن ما اینست که تا هنوز "بنیه و ذخیره های" از نظر مالی برای مردم ما و ما هست، با ییدن فکر پیروزی را عملی ساخت. مردم راضی ترند که از نظر اقتصادی به یکباره با قط شوند اما پیروزی قطعی را در زمان مشخصی بدست آید، تا اینکه ذره ذره با قط شوند و تنها حالت تهاجمی جمهوری اسلامی در جنگ حفظ شود.

۳ - تجربه نشان می دهد که هر چه از جنگ می گذرد، عراق به اعتبار ضعف شدید نظامی خویش در جبهه های جنگ در تلال است به بزاری دست یابد تا با آنها بتواند بر ما "فشار روانی و نظامی" بیشتری وارد سازد. عراق سال گذشته مکهان تنها جموشکی به شهرهای مرکزی و دورا زمرا بران و از جمله با سخت رانداشت، اما اکنون آزار بدست آورده است! مکانات عراق در استفاده از سلاحهای شیمیایی تا چندی پیش بسیار محدود تر از این زمان بود. در حال حاضر برای ما آینده کمتر قابل پیش بینی است که تا میان مدام برای حفسظ او حاضر ندانیم که پیش بروند! "زمان" این فرصت را به عراق می دهد که هر چه می نشا و بیشتر به دست آورد. تکیه بر مقاومت "مردم" در این زمینه، راه حل عادلانه ای برای حرکت در جهت "کسب پیروزی" نیست! ...

(به نقل از رسالت تاریخ ۶۷/۲/۱۹)

پس از حملات آمریکا علیه جمهوری اسلامی در خلیج فارس، دورتازهای از جذب و اعزام نیروها را پشت سر گذاشتیم. اکنون همگان در انتظار پیروزی برداری از این اعزامها و آغاز حملات جدی علیه نیروهای متجاوز عراق هستند. آنچه که ما را ادا شد تا دست به طرح چند نکته به صورت گذرا بزنیم اینست که بنظر می رسد روش موجود ما را تنها قادر می سازد تا جنگ را ادامه دهیم اما چیزی را که ما نیازمند آن هستیم بر ما هائمی است که به اجرا در آوردن آنها منجر به "پیروزی نهایی" گسرد. تکیه بر حفظ موقعیت نظامی برای ادامه جنگ و در نتیجه زدن دست دادن زمان به سود ما نیست. با یستی در "کوتاهترین زمان ممکن"، "پیروزی" را بر ما مریزی نمائیم. این سخن از آن جهت نیست که پیروزی برای ما یک آرمان و هدف روشن است، بلکه آرزای این دلیل مطرح می کنیم که فکسبر می کنیم هر چه زمان و وقت بیشتری می گذرد، کمتر قادر خواهیم بود به پیروزی دست یابیم و مکانات ما برای رسیدن به این هدف محدود تر می گردد. چه بررسی و احتمالاً اثبات این نظریه که گذشت زمان به سود ما نیست، بنیازمند یک تحقیق همه جانبه است. اما ما تنها به سرفصل های مربوط به مسائل داخلی کشور در این زمینه اشراف نموده و بحث کلی آزار به آینده موقوف می کنیم:

۱- از چند سال پیش به این سو، مسئولین جنگ با رها اقدام به دعوت عمومی اقا و مختلف جامعه به جبهه های نبرد نموده اند و همواره صحبت

### بودجه ۶۷۹ میلیاردریالی

بنیاد مستضعفان تصویب شد.

موسوی نخست وزیر رژیم جمهوری اسلامی و نماینده ولی فقیه (خیمینی) در بنیاد مستضعفان بودجه ۶۷۹ میلیاردریالی این بنیاد برای سال ۶۷ را تصویب کردند. قابل توجه اینکه بودجه کل کشور که لایحه آن در فروردین ماه امسال به تصویب مجلس ارتجاع اسلامی رسید ۱۸۰۰۲۹۰۳۴۷ ریال بوده است. با یک حساب سرانگشتی روشن است که بودجه بنیاد مستضعفان که بعنوان یک تراست بزرگ صنعتی مالی در خدمت رژیم فقیه قرار دارد بالغ بر ۱/۳ بودجه کل کشور است.

### ۶۰۵ هزار دا و طلب کنکور

### تغییر نرخ، باز به ریال

با پایان ثبت نام برای امتحان کنکور، اعلام شد که ۶۰۵ هزار نفر، امسال دا و طلب ورودیه دانشگاهها هستند. بیش از ۱۳ درصد این تعداد را "دا و طلبیان رزمنده" یعنی کسانی که در جبهه ها هستند تشکیل می دهند. دولت جمهوری اسلامی اعلام کرده که برای این افراد همچنین خانواده شهیدان، با سدا ران، بسیجی ها، معلولین و... امتیازات ویژه قائل می شود. امتحانات در تاریخ دوم تا چهارم تیرماه برگزار می گردد و ظرفیت پذیرش دانشجویان برای امسال هنوز اعلام نشده است.

چند هفته پیش، هما نظور که خبرش را در "پیام کارگر" نیز خواندید، اعلام شد که از این بین بهای بلیط پروازهای بین المللی هما با ارز خواهد بود و متعاقب آن نرخهای پرواز به نقاط مختلف مشخص و اعلام گردید. هنوز چند هفته از اخذ اعلام بین تصمیم گذشته بود که هفته پیش تغییر نرخ محدود بلیط پروازهای بین المللی، بنیابرا از رزبه ریال اعلام شد.

جمهوری اسلامی اعلام داشت: به جای ارزی کردن بهای بلیط در آینده نزدیک قانون عوارض پرواز به خارج از کشور را اجرا خواهد کرد.

سرنگون باد جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

یادداشت هیئت تحریریه

ستون آزاد

رفیق نویسند ه مطلب زیر ما را بخاطر عدم تائید نوعی از ازدواج یا شاید بتوان گفت وابطامآزاد میان زن و مرد کد در دهای اخیر ربعی از کشورهای اروپایی رواج پیدا کرد همتهم به تا شیریندیری از فرهنگ طبقاتی " کرد با ست . بدیهی است که ما این اتهام را نمی پذیریم و با موضع "آوانگار" رفیق "شر" نویسنده مقاله ، هوافق نیستیم و در فرصتی مناسب دلایل رد این " آوانگار د ر سم" را توضیح خواهیم داد ، امسا چون این نوشته در پاسخ به نامه خواننده دیگری است در این شماره با درت بعد رج آن می کنیم و ترجیح میدیم پاسخ ایشان توسط دیگران داده شود .

خانواده و ازدواج ، پاسخ به اعتراض نامه "ن"

هیئت تحریریه پیام کارگر در شماره ۹ گزارشی از سمینار " شکل مسدود و موزیک رن ان اروپا " در هانوفر یکی از شهرهای آلمان فدرال را درج کرد نکد رانتهای گزارش بطورگرا و کوتا ه ، توضیحی تشویقی بده این سمینار نوشتند .

بد نبال این گزارش در شماره ۱۲ پیام کارگر نامه ای وا پسگرایانه با مضامین " نوشته شد و نامه هوجب کرد بد که هیئت تحریریه پیام نسبت به رابطه جنسی بین زن و مرد کد در شماره ۹ این نشریه ، سکوت ماند ه بود ، بپرد از بد هیئت تحریریه در دفاع از گزارش شماره ۹ پیام نوشت ه بود : " در رابطه با مخالفت با شکل ازدواج سنتسی و اجتنابی شدن و وظایف خانواده در آیند ه هیچ نکته منفی وجود ندارد و این ازیاورهای اساسی و قدیمی مارکسیست - لنینیست ه از زمان نیست تا امروز است . اما اگر این نفی چنانکه شما برداشت کرد اید ، به معنای دفاع از شکل جدیدی از ازدواج مثل Zusammenleben \* می بود ، طبیعا ما نیز شما هم عقید بدیم ولی بک چنین برداشتی حدااغل از این گزارش به ذهن متبادر نمی شود ."

وقتی هیئت تحریریه با ازدواج سنتی ، مخالفت می کند و اجتنابی شدن و وظایف زنان در آیند ه را مطرح میکند ا بزار این اجتنابی شدن را که " انحلال خانواد ه" از بد که مارکس و انگلس است از نظر می اندازد و نشان می دند که چگونه تحت تاثیر فرهنگ طبقاتی اریک واقعیت تاریخی می گریزند .

برای اجتنابی شدن و وظایف زنان ابتدا آنها باید زحمات و مخانه خارج کردند و تولید نقش یا بد که نقش یافتن و تولید است که وظایف تنگ خانواده خارج می شوند و به وظایف اجتماعی می پیوندند . فضای بزرگتری ( اجتماعی ) جایگزین خانواد ه می گردند .

مارکس صراحتا در هانوفر گفت : " ما رکن صراحتا در هانوفر گفت : "

" و اما لغای خانواد ه ( حتی اثرات بی تردید آنرا نیز از این قصد پدید که نیست ه با خشمی آیند ."

بعضی ها برای توجیه و پاسکاری خود اظهار می کنند ، بدلیل نقب ماندگی نه هنی تود ه ها طرح این واقعیت تاریخی موجب سرخوردگی آنها و در شدن از کمونیست ه می شود . پاسخ این افراد را مارکس و انگلس در رساله ۱۸۴۸ در هانوفر کد نیست یعنی بر نامه کمونیست ه ا د ماند . بی شک جامعه مان روزا روپاد ه ها با نقب ماند ه ترازا معنا بروز ما ست ، از طرفی طرح ما تریالیسم دیا لکتیک که با نیمه از ه هیت تود ه ها در افتادن نیز توسط کمونیست ه پیش رفته ه ی رود . با این اوصاف چگونه می توان رابطه جنسی که بر اساس عشق و با تصمیم متقابل پایه ریزی می گردند ( Zusammenleben ) و یک از اشکال انسانی رابطه جنسی است را طرح و ه د ایست کنند ؟ این بخشی از مبارزه کمونیست ه و زنان و از جمله زنان کد نیست است ، در این رابطه را انگلس بشویم :

" برای کامل د ر ازدواج فقط هنگامی می توانند فراگیر شوند ، که لغای تولید سره ایداری و مناسبات ایجا د شد ه توسط آن و نیز کلیات ملاحظات اقتصادی ، جنسی ، کانتون تاثیر هظیم در انتخاب همسران ، از میان برد ه شود . در این هنگام هیچ انگیزه دیگری جز عطفه متقابل نخواهد ماند ."

زندگی بر اساس عطفه متقابل و انتخاب آزاد ، حال هراسمی می خواهین برای این زندگی انتخاب کنید .

"ن" اما روی " تعهد " تاکید می کند : " تعهد چیست و چه چیز تعهد است ؟ آیا درت داشتن و در فرگامنی نیست حتی تا حدی که فکر کنند می توانند با یک یگر رابطه جنسی داشته باشند ؟ غیر از این یک رابطه چه چیز دیگری نیاز دارد ؟ از بد که "ن" در هر صورت باید یک یگر ماندن ، پذیرش تحقیر ، توهمین ، ملاحظات ، پذیرش رابطه غیر انسانی بر اساس پیش داوریهایی جامعه بیورژوایی ، آياتاوشی است بین زنی که همسرش را در دست ندارد و از بودن کنار او لذت نمی برد ، با زنی که رابطه می گیرد تا در آید کسب کند . اولی تحت تاثیر فرهنگ بیورژوایی و اید لژی اسلامی و بعدا عدم تأمین مالی پیش می رود و می عدم تأمین مالی اجتنابی به یک فرهنگ .

تنها تفاوت این دو رابطه این است که اولی اسمش را برای این کار در دفتر ثبت کرد ه و می داند هان اضرافیان خود . البته تئوری که به جای این دو شیوه را رابطه شکل گرفته Zusammenleben می باشد که زندگی بر اساس حقوق متقابل ، نیاز متقابل ، ه ه چنین عطفه متقابل است .

در این رابطه تجربه کولمبی آموزند ما ست :

" در رابطه بین جنسیت این تکامل فوق العاده محسوس است . ثبات هسته خانواد ه ، در جنگ جهانی اول فقط در روسیه بلکه در سایر کشورها نیز بلرزها فتان د . روه اما اول شرکت زنان در تولید خیلی افزایش یافت .

چیزی که با آن اجازت داد تا استقلال اقتصاد بیشتری بدست آورند و درین حال افزایش تولد (سوزان ان ) غیر تائونی را بد نبال داشت . و وجود کدیگ یگران در دست داشتند بد و ن توجه به پیش داوریهایی جامعه

شوروی

شورای عالی اتحاد شوروی پس از یک بحث علنی سه ماهه ، قانون مربوط به تعاونی ها را که بر طبق آن فعالیت های اقتصادی بصورت تعاونی و در جوار بر بنا مدیریت مرکزی مجاز شده می شود تصویب نمود . قبل از آن در مسکو اعلام شده بود که مسئله محدودیت زمانی جهت تصدی مقامات دولتی که یکی از موضوعات کنفرانس حزب در ماه ژوئن می باشد ، بصورت قانون در خوا هتد . بر طبق اطلاعات کنونی حفظ مقامات دولتی به مدت بیش از ۱۵ سال مجاز شده نخواهد شد .

بروکسل

کنفرانس وزرای دفاع پیمان ناتو در بروکسل برای تصمیم گیری حول فشارهای آمریکا به متحدین اروپایی خود در مورد افزایش بودجه نظامی این کشورها در هفت ه سوم ماه مه تشکیل شد . علاوه بر موضوع فوق ، مسئله ادامه مسلح کردن ارتش های متحونا توبه سلاحی عادی پیشرفته نیز در دستور کار قرار دارد ، وزیر دفاع آمریکا همکاران اروپایی خود را تهدید نموده است که در صورت عدم افزایش بودجه نظامی این کشورها ، آمریکا بخشی از نیروهای خود را از اروپا خارج خواهند نمود .

شکست مذاکرات اوپک

مذاکرات وزیران نفت اوپک و شش کشور عضو دروین ، در حالی با بیان یافت گد بین اجلاس نتوانست به هیچ توافق دست یابد . هشت کشور اوپک خواستار کاهش میزان تولید نفت این سازمان به مقدار روزانه ۳۵ هزار بشکه در ماه های مه و ژوئن بودند ، در صورتیکه چهار کشور عربستان ، کویت ، قطر و امارات متحده ، کاهش ۱۸۳ هزار بشکه در روز را پیشنهاد می کردند ، با این شرط که تمام کشورهای عضو عم از تولیدکننده های بزرگ و کوچک ، به یک میزان تولید خود را کاهش دهند . اجلاس آینده اوپک در تاریخ هشتم ژوئن (۱۵ خرداد) برگزار می شود .

خانواده و ازدواج ...

بورژوازی و پانفواهای کلیسا، با هم پیوند برقرار می‌کردند. رشد کودکان غیرقانونی آنچنان بیهوده بود که برای سنجیدن آن، قانونی را در مورد کودکان حمایتی مالی در مورد کودکان قانونی را در مورد کودکان غیرقانونی نیز تصویب کردند. (۴)

این شیوه‌ها زنده گی نه‌خوشبختانه را از آن‌ها "ن" است و نه هیچکس دیگری که اراد نکند تا در ایران مسرور و زنی پیدا نشود، بلکه درنگ‌های نیروهای دولت و حضور هر چه بیشتر زنان در تولید اجتماعی متحقق می‌گردد. در یک انقلاب اجتماعی که پروتولتاریا می‌خواهد نیروهای دولت را بدست گیرد جهش و اربیش می‌رود. انقلاب اکتبر به‌بهترین شکل این جهش را به نمایش می‌گذارد.

تحول در روابط جنسی در شوروی با انحلال خانواده آغاز گردید. این امر بصورت رادیکال و شدیدترتایمی سلطوح جامعه‌گامی زودتر و گامی در صورت گرفت. (۵)

فروپاشی خانواده و تعدیلی بی‌انگیز نیست که نیازهای جنسی انسان بند‌هایی را که به جهت وابستگی اقتصادی و تاریخی به خانواده بنا شده بود، از بین ببرد. این امر با جدایی اقتصادی از روابط جنسی با جدایی می‌آید. (۶)

در ایران نیز در دهه ۵۰ تا ۶۰ ما شاهد گسترش روابط جنسی مخالف بر اساس علاقه و برخورد از قبل، بعضی روابط جنسی نه‌بر اساس تصمیم و تعیین خانواده و محیط، بلکه خواست طرفین بود. اما مل آن حضور بیشتر زنان در اجتماع و شکل‌گیری استقلال اقتصادی و آزادی بود. بنا بر این بدیده مورد بحث سالها قبل در جامعه ما تلفیق شده و آنگونه که بعضی ها ادعا و قائل می‌کنند بدیده ناشناخته‌ای هم نیست.

هم‌اکنون در خارج از کشور با فضای نسبتاً آزاد و هزاران زن ایرانی ستمدیده و برده، تیم، آنسان فرصت یافتند که اندکی به هویت خود بعنوان انسان بیاندیشند و بپردازند. آنها از جایی می‌آیند که جامعه و دولت آنها را حتی در رد انسان نمی‌شناسد. سرکوب تاریخی، تزلزل، عدم ثبات اراده و اغتشاش روحی را بر آنها تحمیل کرده، مترقی‌ترین زنان در خارج از کشور متحمل رنجها و مشقات فراوان جنسی می‌شوند. اما جرات اینکه خود را از این ستم رها کنند، ندارند. آنها له‌شدند و می‌شوند. مورد های متعدد در هنوز شوهران خود کتک می‌خورند و مخفی می‌کنند. در یک اطاق شاهند هم‌خواه شدن شوهران خوب با زنان دیگرند. لحاف را به سر می‌کشند و هق هق گریه می‌کنند. آنها نازند م حمایت قانون بلکه بی‌هویتی که تا ریشه‌ها و فرهنگ محیط بورژوازی تحمیل کرد هر پنج می‌برند.

اگر در این مجموعه باشند زنانی که بخوانند به مسائل و مشکلات خود بپردازند مورد انتقاد "ن" قرار می‌گیرند، چرا که پیراختن به Sexualitat که بزرگی است و وزن حتی حق بحث و شناختن این بدیده دارند. اگر به این بدیده بپردازند "تجسم آشکار تا ایلات لیبرالیسم آن بد با زور و تنگنای ایرانی در غرب است." (۷) برخلاف آن‌ها پیراختن به بحث Sexualitat نه تنها لیبرالیسم نیست، بلکه پیراختن به بخشی از ستم طبقاتی و تبعیضاتی بخش مهم آن است. در جامعه‌ای که ۹۹٪ زنان زیر ستم جنسی هستند، پیراختن به این بحث برخلاف آن شعارهای زرق و برق دار شما در واقعاً تکیه بر مسائل زنان ایران مربوط است.

"اولین ستم طبقاتی با ستم جنس مذکور می‌باشد. مقارن است. تکه همسری یک پیشرفت سترگ تاریخی بود، ولی در عین حال هدیه‌ها ببردنداری و ثروت، خصوصی، آن در ورانی را که تا بد امروزه در آن دوران که در آن هر پیشرفتی در عین حال به معنای پس رفت، نسبی است. وقتی که در آن یک گروه بدقیمت بد بختی و سرکوب گروه دیگر بدست می‌آید." (۸)

"مرد در خانواده بورژوازی پروتولتاریا است." (۹) روشن است تفکری که بحث Sexualitat را تا ایلات لیبرالیسم دانستند Zusanmenleben برایش "بی‌تعمد با نبودن" معنی بد. از کی توانین تنظیم شدن در رابطه مرد بر زن و فتواهای مساجد و کلیسا و بورژوازی آنقدر را بافته‌ها که تقریباً این قوانین گردن نشی "بی‌تعمد با نبودن" است، که امروزه تا کنون با از واج رسمی به زن شمعند شده؟

امروز این بحث‌ها خارج از اراده افراد به سمت گسترش می‌یابد و به یک جنبش بدل می‌گردد. وظیفه یک زن آگاه و متعمد است، که این جنبش را هر چه در یکال نرهد ایت کند. همچنین مانع از آن شود که افراد بان‌هویت خود مقولات تاریخی را معنی کنند. زنان در مورد هر چیز که بخوانند می‌توانند بحث کنند. این حداقل آزادی است. بی‌شک بدون مبارزه با انحرافات، جنبش زنان منحرف خواهد شد و به هدف خود نخواهد رسید. اما بنیاد مرز بین مبارزه با انحرافات جنبش و خود جنبش را مشخص و روشن کرد. زنان آگاه کمونیست با انحرافات زنسان فمینیست که ستم جنسی زن را جد از ستم طبقاتی می‌بینند مبارزه می‌کنند. ولی هرگز با اصطلاحات و انواع اتهامات و تبلیغات مانع از پیراختن آنها به مسائل خود نمی‌شوند. بنا بر این لازم است ضمن مبارزه با انحرافات زنان فمینیست، نقطه وحدت خود را که مبارزه با فرهنگ مرد سالاری است با آنها تقویت کنند. نقش داشتن در تولید و انقادی مالکیت خصوصی به معنی ایجاد حقوق برابر بین زن و مرد نیست. بلکه اول است و مبارزه با ستم طبقاتی در صفحه ۱۴

اخبار خارجی

● لبنان

روز ۲۷ مه با لآخره نیروهای ارتش سوریه که از جندی قیل تصمیم به دخالت در جنگ ما بیست سال زمان امل و "حزب الله" در حومه جنوبی بیروت را داشتند به این منطقه وارد شدند. نیروهای سوریه که از منطقه فرودگاه بیروت داخل حومه جنوبی شدند مواضع سابق "حزب الله" را که قبلاً از ورود آنها تخلیه شده بود در اختیار خود گرفتند. بعد از بیرون رانده شدن حزب الله از جنوب لبنان توسط نیروهای امل، آنها در حومه جنوبی بیروت متمرکز شده و سعی داشتند با بیرون راندن امل از آنجا تسلط بلامنارح خود را در این منطقه وسیع تلافی شکست در جنوب لبنان ممتنع کرده و آنسرا بعنوان تنها منطقه نفوذ خود در لبنان حفظ نمایند. فرمان دخالت ارتش سوریه که بضرخیز حزب الله در حمایت از امل است، جندی قیل از جانب حافظ اسدما در شدا ما تلاش جمهوری اسلامی برای ممانعت از این عمل و جلوگیری از تفاربه ابادی خود در لبنان، ترا به تا خبر انداخته بود.

● ویتنام

دولت ویتنام اعلام کرد که در سال جاری ۵۰۰۰ نفر از سران خود را از کار باج خارج خواهد کرد. بر طبق گفته منابع ویتنامی با این اقدام فرتب به ۴۰۰۰۰ سران ویتنامی در این کشور باقی خواهد ماند که تا دو سال دیگر خارج خواهند شد.

● نیکاراگوئه

دولت نیکاراگوئه با یک طرح زمانبندی شده خدا نقلایون کنتررا موافقت نموده است که بر طبق آن قراردادی برای خانه‌ها دادن به جنگ داخلی در این کشور به مضاف خواهد رسید. با امضای جنسی قرارداد شورشیان می‌بایست اسلحه خود را زمین گذاشته و به زندگی غیرنظامی رجوع کنند. آخرین دور مذاکره در طرف روز ۲۷ ماه مه بود که با بسته دولت نیکاراگوئه آن اجلاس را مثبت خواندند و نسبت به امضا قرارداد اظهار امیدواری نمود.

● آلمان فدرال

یکی از نمایندگان سفیدپوست با رلمان آفریقای جنوبی که مخالف سیستم آپارتاید است در شهر فرانکفورت با یکی از نمایندگان کنگرس ملی آفریقا دیدار و گفتگو نمود. مشاهده می‌شود دیدارها از سال گذشته تا کنون چند مورد در کشورهای مختلف صورت گرفته است. این دیدارها توجه به اسکند ANC هنوز در آفریقای جنوبی غیرقانونی است از جهت قابل ملاحظه ای برخوردار است.

گزارش

# عقوبین الملل

amnesty international

# FOCUS



## Ill-treatment of women in detention

شماره‌ای از گزارش سالانه منستی درباره زنان

نشریه خبری عقوبین الملل در ماه آوریل گزارشی ویژه‌ای در مورد زنان زندانی در کشورهای مختلف نشر کرده است. باره‌ای از موارد گزارشات مندرج در نشریه فوق‌عبارتند از:

- دستگیری و شکنجه‌کارین آیتل، دانشجوی اهل شیلی که توسط ۲۰ تا ۳۰ مرد شکنجه‌گر مورد بازجویی و زدبازیه‌ترین اهانته‌ها و رفتارها قرار گرفته است. (نوامبر ۱۹۸۷)

- دستگیری و شکنجه‌منعاً حویده دانشجوی ۲۹ ساله سوری و عضو حزب برای عمل کمونیستی که از سال ۱۹۸۵ دستگیر و شدیداً شکنجه شده و هیچ اطلاعی از سرنوشت وی در دست نیست.

- نعلی‌ا‌یش زن رزمنده فلسطینی که پس از دستگیری مورد شکنجه و بد رفتاری جان‌نیا ن صهیونیست قرار گرفته و بی‌اعتنا و شکنجه و کتک سقط جنین کرده و در همان حال از دریا فوت هرگونه خدمات پزشکی محروم بوده است. - ادا مه شکنجه و آزار زنان قهرمان زندان‌نسی در زندان اوین و سایر زندانهای جمهوری اسلامی.

همچنین در این نشریه دهها مورد شکنجه و تجاوز به زنان زندانی در کشورهای مالزی، هندوستان، سومالی، پاراگوئه، فلسطین اشغالی، ترکیه، فیلیپین، شیلی، سری لانکا، السالوادور، لبنان (بر علیه زنان فلسطینی و توسط امل)، برمه و سوریه ذکر شده است.

با آغاز سال ۱۹۸۸، چهل سال از انتشار اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌گذرد. به این مناسبت منستی در گزارش سالانه خود وضعیت حقوق بشر را در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار داده است. بررسیهای امنستی نشان می‌دهد که در اغلب موارد، رفتاری که با زنان می‌شود، مرگبار، تروماتیک و ترسناک بوده و این وضعیت خیلی کم‌مورد توجه قرار گرفته است.

۱۰ سال امنستی در سرا سرجهان تلاش تبلیغاتی گسترده‌ای را بمناسبت روز جهانی زنان آغاز کرد و قصد دارد در این سال بخصوص توجه جهانیان را به حمایت از گروه زنان گواتمالایی آپویموتو (Apoyo Muebo) جلب نماید. اولین دسته از این زنان در سال ۱۹۸۴ تشکیل یافت و بعداً هشتصد تن از آنها به این گروه ملحق شده‌اند. آنها خواستار بررسی سرنوشت و بستگان ناپدید شده خود هستند.

مثلاً به همین سازمان و با همان هدفها، امنستی به سازمان مادران آرژانتینی بنام "مادران بلازا دومایو" (Mütter von der Plaza de Mayo) و جنبش ضد تجاوز دیرستی (Black Sash) در آفریقای جنوبی اشاره می‌کند.

اندک توجهی به نقض حقوق بشر در مورد زنان، بی‌اس‌اس یافته‌های امنستی، روشن می‌کنند که بطور آشکار وضعیت زنان در زندانها و بازجویی‌ها به مراتب ناگوارتر و ترسناک‌تر از مردان است. و در مقیاس وسیعی تحت تعقیب مضاعف قرار دارند.

بسیاری از زنان در سرزمین خودمانند مردان، بی‌اعتنا و رنگ پوست، نژاد، زبان، مذهب، عقاید، مورد تعقیب قرار می‌گیرند و مجازات می‌گردند.

از طرف دیگر بیشتر آنان در مراکز پلیس، بازداشتگاه‌های نظامی و در زندانها، شدیداً مورد تحقیر واقع شده و به آنان تجاوز می‌شود و مورد شکنجه جنسی قرار می‌گیرند که این شرایط علاوه بر فشارهای اجتماعی دیگر، صرفاً بخاطر جنسیت آنهاست.

طبق گزارشات امنستی، تجاوز و شکنجه جنسی، به منظور تخریب غرور و شخصیت واحساسات زنان بکار می‌رود. برای مثال در السالوادور، هزاران زن در مدت زندان مورد تجاوز قرار گرفته‌اند. زنان در اوگاندا در دوران بازداشت وقتی دارو سائل بیداشتی دریافت می‌کنند که خود را بسرای استفاده‌های جنسی در اختیار مقامات زندان قرار دهند.

نقض حقوق زنان از این میزان با زهم بیشتری می‌شود وقتی که کودکان آنها بعد از دستگیری و بازداشت مادران خود، تنها می‌مانند. مادران و کودکانی نیز هستند که با هم دستگیر می‌شوند. آن چنانکه در گزارش امنستی از "برمه" آمده است، خانم سورجیان در سال ۱۹۵۷، وقتی یکساله بوده است همراه مادرش به زندان می‌افتد. او اینک سی و دو ساله و همچنان در زندان است. سرانجام، اشکال دیگری از تعقیب و نقض حقوق بشر و سرنوشت درباریه‌زنان را می‌توان در ایران مشاهده کرد. در ایران برای مثال ۴۵ روز زندان و ۷۵ ضربه شلاق برای زنانی که چادر سر نمی‌کنند و درست از آن استفاده نمی‌کنند، بعنوان مجازات معمول است.

باید بدانیم، در ایران بخاطر زندان شدن چادر، حتی بر روی دختران سیزده ساله سیدمی می‌کشند. در ایران بعلاوه دختران با کره قبل از اعدام مجبور به ازدواج اجباری شده و بعداً به آنها تجاوز می‌شود زیرا قرآن کشتن دختران با کره را ممنوع کرده است.

به مناسبت روز جهانی زن امنستی تقاضای می‌کند که توجه بیشتری به زنان تحت تعقیب و بدبختی درخواست بینا‌هنگی زنان فراری و رسیدگی سریعتر به آنها بعمل آید. امنستی در این مورد کوششهای خود را برای برسمیت شناختن حق بینا‌هنگی اینگونه زنان بکار می‌برد. به اعتقاد امنستی بسرای همسران و فرزندان بینا‌هنگان با یستی یک حق "اقامت مستمر قانونی" تا مین شود.

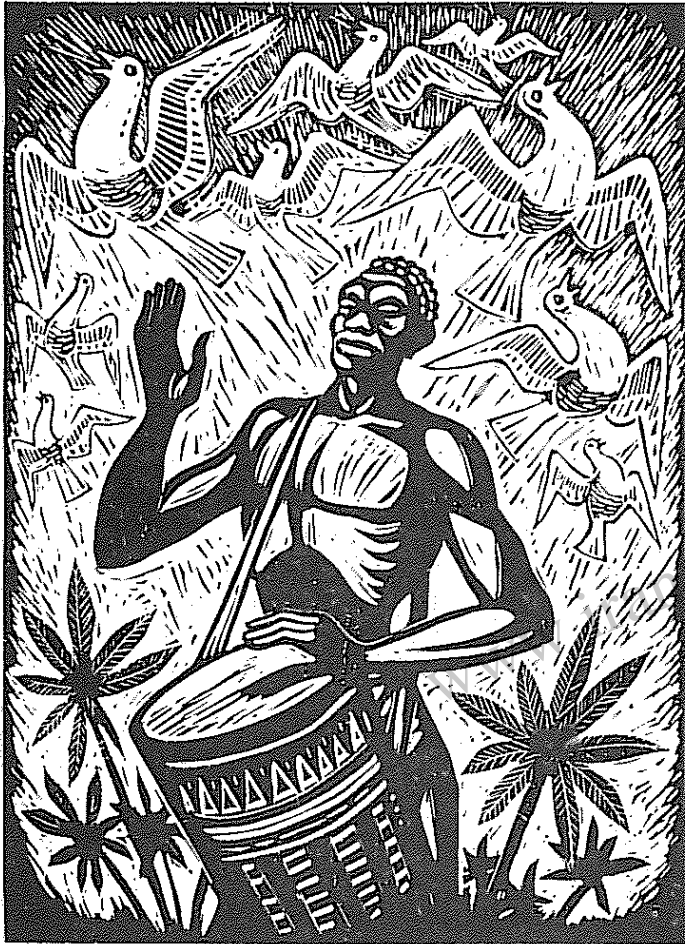


— سنگسار —

## شعری از آفریقای مبارز

که می‌سرایند، اشعارشان بی‌انگرا طعنه‌و عربیان معضلات و اشتیاقات عمیق  
آنانی است که قربانان نظام مظلوم و جورآباداند و بدین خاطر نیز در این  
مجموعه‌های گرفته‌اند...

تشدید مبارزه برای جامعه‌ای برابر و درخور انسانی نیازی فزاینده را  
نیز در نزد اشاعران آفریقای جنوبی دامن می‌زند. نیازی به هویت‌یابی با جد و  
جهد اکثریت مردم را، و درست بدین دلیل نیز، هویت‌یابی با هدف جنبش ملی  
رهائی بخت - کنگره ملی آفریقا (ANC) - را.



اشاعران آفریقای جنوبی تنها آنگاه قادرند برای پایه‌گذاری جامعه  
و فرهنگی دمکراتیک یا ری‌سازند که تنها می‌قدرت خویش را بر علیه نظام نژاد  
پرستی بکار گیرند، که تنها می‌یاس و ناامیدی نوده‌های تحت ستم را در چشم -  
اندازی که در بطنش هم‌میدجای دارد و هم‌عمل‌قرا دهند.

اشعار این کتاب تنها نقطه‌ای آغازین است. این اشعار تنها پیش  
آزمونی است از آنچه که در پی خواهد آمد. این اشعار تقویت‌کننده آن صدا -  
های دور دستی است که از آفریقای جنوبی فردا بگوش می‌رسند.

«بری فین برگ»

برگردان: زبیران سوئدی توسط: ر. نوشادیلان

شعر "سرخ رنگ ما ست" از مجموعه "اشعاری درباره آزادی" برگردانی است  
از زبان سوئدی به فارسی. این مجموعه با استفاده از اشعار ۱۰۰ شاعر آفریقای  
جنوبی به همت "بری فین برگ" که خود یک شاعر و نقاش تبعیدی آفریقای  
جنوبی است، برای اولین بار در لندن بجا پ رسید، ترجمه "مقدمه" این  
مجموعه اشعار را نیز برای آشنائی بیشتر خوانندگان درج می‌کنیم.

"مقدمه"

شعر نوین در آفریقای جنوبی همیشه بوسیله ایدئولوژی و عملکرد تفکر  
نژادپرستانه شدیداً محکوم گردیده است. کاربرد قوانین آریا رتاییدر تمام  
زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، هنر و زندگی را نیز از زور و دنا شرات سیاها  
به شکلی موثر محفوظ نگاه داشته و در مواردی استثنائی نیز که شعریاها  
تا شایده‌قرا گرفته، تا بدان جا بوده است که خود این اشعار به تقویت و تحکیم  
"پارتی لیس" (توجه‌تیم‌یابانه) و تریبالیسم (قبیله‌و طایفه‌گری) یساری  
رسانده‌اند.

اشاعران سفیدپوست نیز برای تحکیم موقعیت ویژه و ممتاز خود خویش در  
بقای آریا رتاییدهمیایا رتاییده‌اند. گذشته از نویسندگان فرصت طلب و عوام‌پسند،  
اشاعران بسیاری نیز هستند که بدلیل عدم تعهد و بی‌تفاوتی سیاسی خویش از  
بافت اجتماعی آفریقای جنوبی ناآگاهانه حمایت می‌کنند. طبیعتاً این  
نوع طرز تلقی و برخورد اشاعران خویش را در محتوای آنچه که اینان مینویسند  
برجای می‌گذارد.

دیگران، که کمتر محافظه‌کارند، سعی دارند تا با یک نوع شیوه "آوانت -  
گاردیستی" بی‌شکل که تحت تاثیر زیبایی‌پرستی و ستم‌سردار اروپائی و  
امریکائی است، اسورسی برای خود دست و پا کنند. دولت نژادپرستانه  
آنقدرها انعطاف‌دارند! اینان را نیز بیدرد.

در سالیان اخیر و در رابطه با رشد آگاهی انقلابی در نزد اکثریت سیاها،  
شعری نوین، بر قدرت، رادیکال و متعهد به مسائل اجتماعی شکل یافته است.  
اینک فریادهای میلیون‌ها توده‌فقرزده آفریقای جنوبی که تا کنون از بیان  
فرهنگ خودی منع گردیده بودند، طنین‌انداز گشته و بوسیله اشاعران جوان سیاها  
به رشته تحریر درمی‌آیند...

گرچه اشاعران معدودی از اشاعران سیاها بوسیله تئوری چند زنا شران بی‌سرو  
به‌جا پ رسیده‌اند، امری که هنوز مورد تحمل رژیم نژادپرست می‌باشد، اما  
اینک کاملاً آشکار است که فرهنگ اصیل آفریقای جنوبی تنها با نابودی  
برتری و تفوق سفیدپوستان نفع خواهد گرفت. فرهنگی که تنها می‌تواند  
صرف نظر از رنگ پوستشان - در پهنه‌اش کار و فعالیت خواهد نمود.

اشاعران سیاها و آن معدود اشاعران سفیدپوست که نظام کم‌مراوردت‌ها  
قرار داده‌اند، جلگی برجائتی ناپذیری را بینه آزادی سیاسی و آزادی  
فرهنگی ناکید داده‌اند. و بدین جهت نیز هست که این اشاعران مورد تعقیب  
واقع شده و بسیاری شان جلائی کشور کرده‌اند. نه‌بخاطر اشاعران - که به بندرت  
آزادانه در گردش‌اند - بلکه بخاطر فعالیت سیاسی شان بر علیه دولت نژاد -  
پرست.

اشاعران این مجموعه به‌تعمد تحت تعقیب، آزاداروسا نمودن ر گرفته -  
اند. تئوری چند زنا شران بخاطر اعتقادات و ایمان‌شان زندانی و شکنجه‌گردیده -  
اند، و بخاطر همین اعتقادات و ایمان است که این اشاعران بدینگونه می‌سرایند.

خانواده... آدامه از صفحه ۱۲ ستم‌چینی وجه هم‌ایجاد حقوقی برابرین زن و مرد است.

۱۱ زندگی مشترک زن و مرد بدون ثبت رسمی

۱) اجتنابی شدن وظایف خانواده درسا نیست، بلکه اجتماعی شدن وظایف زنان مورد تاکید آثار مارکس و انگلس است.

۲) طیفیست حزب کمونیست، بحث پرولترها و کدونیستها

۳) مجموعه آثار مارکس و انگلس صفحه ۸۴ (تاکید از من است)

۴) ترجمه شد از متن فرانسوی کتاب "کنفرانس‌های درباره آزادی زنان" (فدایی)

۵) ویلیام ایش ترجمه از س - پگا

۶) هادانجا

۷) پیام شماره ۱۲، نامه "ن" به هیئت تحریریه پیام‌کارگر

۸) مجری آثار مارکس و انگلس ص ۶۰

۹) همانجا ص ۷۶ و ۷۷



سرخ رنگ ما ست

بگذار اشعاری بسراشیم

درخشنده چنان چون سرخی خون،  
رعد آسمان چنان چون ناقوسهای نقرین شده.

اشعاری

چون ضربه‌ای بر چهره‌ی ستمگر

اشعاری

که قهرا ورا درهم می شکنند.

اشعاری

که آدمی را بیداری فرا می خوانند:

زندگی -

نه مرگ

امید -

نه باس

طلوع -

نه غروب خاکستری

تجدد -

نه آنچه که بود

مبارزه -

نه تسلیم

شاعر!

بگذار رتا مردم بیدارند

که رویاها به حقیقت می پیوندند.

شاعر!

از آزادی بگو.

ANC Kumalo نام مستعار یکی از شاگردان تبعیدی آفریقای جنوبی است. اشعار، داستانها و مقالات او در نشریات The African، Sechaba، Anti-Apartheid News، Transition، Pan Africa، Communist و چندین نشریه آفریقای دیگر بجا برسیده اند.

برگردان از زبان سوئدی توسط  
"ر. نوشادیا ن"

بگذار رتا آقا بیان دارا

اتاقهای پذیرائی شان را

تزیین کنند

با چرک‌نویسهای چاب‌لوسان مجیزگوی.

شاعر!

از آزادی بگو.

چشمان مرد میان را

با این حقیقت بنواز

که بسیاری از ما یکدیگر توتوا نمیدانند

تا میله‌های زندان را

درهم بشکنند

وحما را های سنگی را

فروریزند!

شاعر!

به جستجوی انسا نها برخیز

و مددی تا که "کلید" را بسازیم

پیش از آنکه دهه‌ها بگذرند

از پس دهه‌ها

وده‌های دیگر.

"A. N. S. Kumalo"  
ANC Kumalo

تشو دورا کیس و عزیز نسین :

منا دیان صلح

انجمن دوستی ترکیه و یونان روز ۲۷ اردیبهشت (۱۷ ماه مه) از میکس تشو دورا کیس آهنگساز مشهور یونانی و عزیز نسین طنزنویس نامدار ترک دعوت بعمل آورد تا در جشنی که بدین مناسبت در کلسن برگزار شده بود شرکت کنند. این دو هنرمند با قبول این دعوت، به وجود آن فضای بیشتتری بخشیدند. در این مراسم عزیز نسین شمسه‌ای از خاطرات خویش را در ارتباط با یونان بیان و برداری این دو خلق گفت و تشو دورا کیس به دفاع از صلح و انسانی‌های چهره جنگ طلب امپریالیسم برخاست. او ضمن صحبتها پیش از جنگ ایران و عراق بعنوان جنگی که توسط امپریالیسم مانده می شود نام برد و با بیان آنرا خواستار شد. او فروش اسلحه به این دو کشور درگیر جنگ را نیز محکوم دانست. وی همچنین خواهان آزادی هزاران مبارز ترک که در زندانهای این کشور اسیرند شد. این دو هنرمند همچنین در این روز قطعنامه‌ای را مشترکاً به نمایندگی از خلقهای کشور خویش امضاء کردند که در آن خواستار صلح، دمکراسی، عدم فروش سلاح به کشورهای درگیر جنگ و استقلال کشورها شدند.

نشست بر علیه فاشیسم و فاشیسم

در زندانهای برلین غربی

در طی هفت جلسات ضد فاشیستی و ضد نژاد پرستی در برلین غربی که از طرف Asyle v گروه ضد فاشیستی آلمانی برگزار گردید، تعدادی آلمانی و خارجی مترقی شرکت کردند. در این جلسه وگنلی در مورد وضعیت خارجیها در زندان صحبت کرد و اظهار داشت که ۷۰ مرد بازداشت شدگان خارجی جوانان زیر ۱۸ سال هستند و راهنماهایی را برای آنها مطرح کرد. بعد از وی چند سازمان دیگر که در ارتباط با کدک باخارجیان بازداشت شده کدک در زندانهای اول ماه سال قبل تشکیل شده‌اند، در مورد اقدامات خود توضیحات دادند. رفقای برلین فعالان در این نشست شرکت نمودند.

بایروت - آلمان فدرال

تظاهرات برای صلح و علیه جنگ

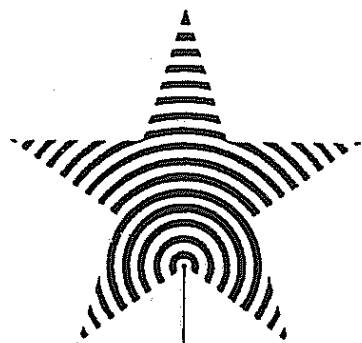
پناهندگان ایرانی شهرک‌های اطراف بایروت، از جمله پناهندگان ساکن، باد برنک، دیدنبرگ، هاینرزویت، پکیتس و خود شهر بایروت روز ۲۲ آوریل ساعت ۴ بعد از ظهر علیه جنگ ویرانگر و ارتجاعی بین ایران و عراق و مبارزان شهرها و مناطق مسکونی تظاهرات کردند. آنها یکصد نفری را زدند، قطع یاد جنگ بین ایران و عراق، مبارزان شهرها و مناطق مسکونی محکوم است.

برمن - آلمان فدرال

اعتصاب غذا برای حمایت از

زندانیان سیاسی در ایران

"جدهی از پناهندگان و دانشجویان مترقی شهر برمن برای حمایت از زندانیان قهرمان در زندانهای جمهوری فقه‌پسندان صدای آنها را بگوش جهانیان، با انتشار اطلاعیه در تاریخ ۲۲ آوریل ایرانیان آزاد و مترقی را برای یک اعتصاب غذای سمبلیک انشاگرا نه سه‌روزه (۲۸، ۲۹، ۳۰ آوریل) دعوت کردند. آنها با انتشار اطلاعیه خود بزرگان آلمانی در میان اهالی شهر دست به انشاگری جنایات رژیم اسلامی در مورد مردم ایران، کارگران زنده‌کنشان زنان و جوانان زندان، اعتصاب کنندگان در روز پایانی اعتصاب قطعنامه‌ای را با شعارهای نابود باد امپریالیسم جهانی، سرنگون باد رژیم فاشیستی اسلامی، زندمبارزات سیاسی زندانیان انقلابی در بند و زندمبارزات همبستگی بین‌المللی و افشای جنایات جمهوری اسلامی علیه مردم کشورمان و جنگ خانمانسوز بین ایران و عراق منتشر کردند.



**صدای کارگر**

راه پوی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

★ برنامه صدای کارگر هر شب ساعت ۶ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر با ۴ مگا هرتز پخش می گردد.

★ این برنامه ساعت ۹ همان شب ساعت ۶ صبح روز بعد مجدداً پخش می گردد.

★ جمعه ها برنامه ویژه پخش می شود

★ ساعت و طول موج صدای کارگر را به خاطر بسپارید؛ ساعات پخش و طول موج صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحماتشان برسانید و آنان را به شنیدن صدای کارگر دعوت نمائید!

**مذاکرات سران شوروی و آمریکا:**



مسکو:

تلاشهای استراتژیک در این دیدار مذاکرات مقداتی انجام گرفت که به نتیجه مشخصی نینجامید. دوطرف اظهار امیدواری کردند که تا پایان دوره ریاست جمهوری ریگان در این مورد توافق نهایی را بعمل آورند. همچنین دو موافقت نامه غیرمیم در مورد اطلاع بیکدیگر در مورد آزمایشات جدید هسته ای و تسلیحاتی و کنترل آزمایشات هسته ای در دو کشور توسط طرفین، به امضا رسید.

از ۲۹ مه مذاکرات ۴ روزه میخائیل گورباچف و رونالد ریگان در مسکو انجام پذیرفت. دستور جلسه این اجلاس گفتگو بر سر کاهش سلاحهای استراتژیک تا میزان ۵۰٪، مسائل منطقه ای شامل افغانستان، جنگ ایران و عراق، فلسطین، نیگاراگوا و آنکولا و جنوب آفریقا و بعضی مسائل دیگر مسود شد. بنا بر گزارشات تاکنونی، بر سر کاهش ۵۰٪ از

**آدرس پیام کارگر**

POSTFACH  
650226  
1-BERLIN 65

ALIZADI  
B.P. 195  
75564 PARIS  
-CEDEX 12  
FRANCE

**با پیام کارگر همکاری کنید  
و برای آن بنویسید!**



**جشن نهمین سالگرد تأسیس  
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)**

Fest aus Anlass des 9. Jahrestages der Gründung der  
**ORGANISATION DER REVOLUTIONÄREN ARBEITER DES IRAN (RAHE KARGAR)**

Kulturprogramm  
mit dem kordischen Sänger: SEVAN  
Theaterstück  
iranische Lieder  
Folklore Tanz  
türkische Lieder  
Ausstellung des iranischen Malters  
und Zeichners: ASGHAR DAVARI

Zeit: 25.6.88  
Beginn: um 17 uhr  
Ort:

AULA DER  
PÄDAGOGISCHE HOCHSCHULE  
DÜRENER STR. GRONE WALD  
Köln

سخنرانی توسط رفیق حسن حسام  
برنامه هنرمند انقلابی خلق کرد نشوان  
موسیقی، آوازهای ایرانی و رقص محلی  
موسیقی ترکی  
نمایش  
نمایشگاه طرحهای اصغر داوری  
زمان: ۱۳۶۷/۴/۲۵ (۲۵/۶/۸۸)  
مکان: کلن  
شروع: ۵ بعد از ظهر

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته خارج از کشور